



شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده: کشف فرایندها از طریق نظریه میانی

سالار سیدمجیدی^۱، کیوان صالحی^{۲*}، یاسر مدنی^۳، سمیه شاهمرادی^۴

چکیده

تمایز یافتگی خود، پدیده‌ای بافتارمند، فرهنگی و وابسته به شرایط محیطی و اجتماعی است که در فرآیندی پویا و متأثر از عوامل مختلفی شکل می‌گیرد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی و بازنمایی چگونگی شکل‌گیری فرآیند تمایز یافتگی خود در خانواده، با رویکرد کیفی و به روش نظریه برخاسته از داده‌ها از نوع نظام‌مند انجام شد. گروه مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل متاهلین ۳۰ تا ۴۵ ساله شهر تبریز که با خانواده خود زندگی می‌کردند، بود که تعداد ۱۷ نفر از ایشان به روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری تارسیدن به اشباع نظری در مصاحبه نیمه ساختار یافته برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده‌ها با روش کدگذاری نظری (طی سه مرحله: کدگذاری باز، محوری و گزینشی) انجام شد. در نهایت ۴۶۱ کد اولیه و ۱۱۷ زیرمقوله و ۱۸ مقوله استخراج شد و در بخش‌های شش‌گانه الگوی پارادایمی طبقه‌بندی گردید و یک نظریه میانی تکوین یافت. نتایج نشان داد که انگیزه پیشرفت و شرایط چالش برانگیز، افراد را به استقلال فکری، هویت‌طلبی و منزلت اجتماعی سوق می‌دهد که این موارد پدیده محوری فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود را تشکیل می‌دهند. همچنین، چنانچه افراد تحت تأثیر شرایط واسطه‌ای نظیر کسب تجربه‌های متفاوت، ویژگی‌های خودتعیین‌گر و تمایل به موفقیت و شرایط زمینه‌ای مانند ارتباط با الگوهای موفق، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، بسترها و رویدادها در خانواده و جو مشارکتی/حمایتی خانواده قرار گیرند، راهبردهایی همچون رفتارهای مسئولانه، همیارانه و سنجیده و تلاش برای کنترل احساسات را خواهند داشت که این راهبردها به موفقیت در شغل و زندگی، رضایتمندی و خوداتکایی توأم با بهبود روابط منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: تمایز یافتگی خود، فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود، خودمتمایزسازی، تمایز یافتگی خود در خانواده، نظریه برخاسته از داده‌ها، نظریه داده‌بنیاد.

DOI: 10.22034/ijwf.2024.16975.2148

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته مشاوره، پردیس بین‌المللی آرس دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: salar.majidi@ut.ac.ir 0000-0002-1354-1530

۲. دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: keyvansalehi@ut.ac.ir 0000-0001-8673-4248

۳. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: yaser.madani@ut.ac.ir 0000-0002-6005-0646

۴. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: s.shahmoradii@ut.ac.ir 0000-0002-8334-0849

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری سالار سیدمجیدی در رشته مشاوره است که با حمایت علمی و معنوی پردیس بین‌المللی آرس دانشگاه تهران انجام شده است.

Formation of Self-Differentiation in the Family: Discovering Processes through Middle-range-Theory

Salar Seyed Majidi¹, Keyvan Salehi², Yaser Madani³, Somayeh Shahmoradi⁴

Self-differentiation is a contextual phenomenon and dependent on environmental and social conditions that is formed and experienced in a dynamic process under the influence of various conditions. This qualitative study aimed to explore the formation process of self-differentiation in families using the grounded theory approach (systematic type). The population included married people aged 30 to 45 living with their own families in the city of Tabriz, and 17 of them were selected by the judgmental sampling until theoretical saturation was reached through semi-structured interviews. The data analysis was done simultaneously with the data collection using the theoretical approach (during three stages: open coding, axial coding, and selective coding). Finally, 461 initial codes were extracted and categorized into 117 subcategories and 18 categories, which were classified into six sections of the paradigmatic model, resulting in the development of a middle-range theory. The findings suggested that progress motivation and challenging conditions lead people to intellectual independence, identity seeking, and social dignity, which are the central phenomena of the formation process of self-differentiation. Additionally, if people are influenced by intermediary conditions, such as gaining different experiences in life, self-determining characteristics, communication with successful models, social and cultural structures, contexts, and events in the family, as well as the cooperative/supportive atmosphere of the family, they will carry out strategies, like responsible, cooperative, and considered behaviors, and will try to control emotions, which these strategies lead to success and progress in life, satisfaction, self-reliance, and the improvement of the quality of relationships.

Keywords: self-differentiation, formation process of self-differentiation, self-differentiation in family, grounded theory.

DOI: 10.22034/ijwf.2024.16975.2148

Paper Type: Research

Data Received: 2023/09/17

Data Revised: 2023/12/22

Data Accepted: 2024/02/26

1.Ph.D. Student in Counseling, University of Tehran Aras International Campus, Tehran, Iran.

Email: salar.majidi@ut.ac.ir

 0000-0002-1354-1530

2. Associate Professor, Department of Methods, Educational Planning and Curriculum, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran.(Corresponding author).

Email: keyvansalehi@ut.ac.ir

 0000-0001-8673-4248

3. Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran

Email: yaser.madani@ut.ac.ir

 0000-0002-6005-0646

4. Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counseling, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, Iran.

Email: s.shaahmoradii@ut.ac.ir

 0000-0002-8334-0849

۱. مقدمه

نظام خانواده، نهاد بنیادی و اساسی در جامعه است که کوچک‌ترین واحد اجتماعی به شمار می‌رود و بنیان سایر نهادهای اجتماعی را می‌سازد (تارس، ولیهوونگاب و اوکنی، ۲۰۲۱). خداوند متعال در سوره‌های فرقان (آیه ۷۴)، نساء (آیه ۳۴)، تحریم (آیه ۶) و روم (آیه ۲۱)، ضمن معرفی کارکردهای خانواده که شامل ایجاد فضایی برای محبت و آرامش، تربیت نسل، حفظ ایمان و تأمین نیازهاست بر این تأکید می‌فرماید که خانواده نه فقط یک نهاد اجتماعی، بلکه یک محیط تربیتی و معنوی نیز به شمار می‌آید. افرادی که در این واحد اجتماعی رشد می‌کنند، به سلامت و ارتقای واحدهای اجتماعی بزرگ‌تر کمک می‌کنند (حسینقلی پور، پورشالچی، بیگزاده و محبوب‌کلیر ۱۳۹۵). خانواده از مؤثرترین عوامل شکل‌دهنده شخصیت و تأمین‌کننده سلامت روان است (افروز، ۱۳۹۷) و این نقش در تمام مراحل رشد اهمیت دارد (تاباک و زاوژکا، ۲۰۱۶). همچنین، بافتار اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بر روابط درون خانواده تأثیرگذار باشد (صالحی‌سرسری، ۱۳۹۲). در خانواده هر عضو در عین حال که تاحدودی مستقل است، به دیگری نیز وابسته است (اولسون، ۲۰۱۱). خانواده نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت و عامل مهمی در تمایز یافتگی خود افراد است (زیگرس کولونسی، استامس و مین، ۲۰۱۷).

تمایز یافتگی خود، سنگ بنای نظریه نظام‌های خانواده است که در پی وحدت و فردیت است (کاستلار و اولیور، ۲۰۲۱^۵). موری بوئن^۶ آن را توانایی تمییز میان فرآیندهای عقلانی و هیجانی می‌داند که به استقلال هیجانی منجر می‌شود (زکی علی، ۲۰۲۱^۷). درجه تمایز یافتگی خود، بیانگر میزان توانایی برای جداسازی فرآیند شناختی از هیجانی است (پیکسوتو-فريتاس، رودیگوئرف کرابتری و مارتینز، ۲۰۲۰^۸). در نظریه بوئن، تمایز یافتگی خود هم‌سنگ سلامت روانی است و کلید آن در برخورداری از هر دو حس تعلق به خانواده و تمایز یافتگی خود نهفته است (پاشاشریفی، معنوی پور و عسگری، ۱۳۹۳). هدف اصلی تمایز یافتگی خود، توازن میان احساسات و

1. Torres, C., Vallejo-Huangab, D., & Ocaña, X. R.
2. Tabak, I., & Zawadzka, D.
3. Olson, D. H.
4. Zeegers, MAJ., Colonnese, C., Stams, G-JJM., & Meins, E.
5. Castellar, B., & Oliver, J.
6. Murray Bowen
7. Zaki Ali, H. M.
8. Peixoto-Freitas, J., Rodriguez-Gonzalez, M. N., Crabtree, S. A., & Martins, M. V.

شناخت است و در اوایل بزرگسالی تا حدودی به تثبیت می‌رسد (آغاسی‌نژاد، خدابخشی‌کولابی، فلسفی‌نژاد و ثناگو، ۱۳۹۸).

به اعتقاد فیلیپ آر. شاور^۱، تمایزیافتگی خود در چارچوبی غربی و آمریکایی مفهوم‌پردازی شده است که در فرهنگ‌های جمع‌گرا و شرقی نیاز به تأمل بیشتری دارد (فایرستون، فایرستون و جویس، ۱۴۰۲). اکثر پژوهش‌ها در این زمینه نیز در آمریکا انجام شده‌اند (کالاتراوا، مارینا، مارتینز، استچیوکلینز، داج‌سبالس و رودریگوئز، ۲۰۲۲). در غرب، انسان موجودیتی جداگانه و منفک از فرهنگ و بستر اجتماعی دارد که با فردگرایی در جوامع غربی در ارتباط است و تحقیقات روان‌شناختی را بابتی توجهی به عناصر فرهنگی و اجتماعی متأثر می‌کند (هافستد، هافستد و مینکو، ۲۰۱۰). همچنین، تفاوت‌های فرهنگی در سازه تمایزیافتگی خود در پژوهش‌های بین‌المللی مشهود است (نارایانان و سریرام، ۲۰۲۳)^۲ و در پژوهش‌های داخلی نیز غلبه بر پژوهش‌های کمی مشاهده می‌شود (سیدمجیدی، صالحی، مدنی و شاهمرادی، ۱۴۰۲).

دیدگاه عمومی بر این است که تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی باعث محدود و کم‌اثر شدن رویکردهای درمانی می‌شوند، اما نظریه درمانی نظام‌های خانواده با مفاهیم انعطاف‌پذیر و مولد این امکان را برای خانواده‌پژوهان فراهم می‌کند تا بافت فرهنگی متفاوت را در مطالعات خود به‌بوته نقد و آزمایش بگذارند (سارهبر، نیمز و کارتر، ۲۰۱۳)^۳. بدین منظور پژوهش‌های میان‌فرهنگی در قطعیت بخشیدن به اثر بافتار فرهنگی بر نظام‌های مختلف اجتماعی نقش حائز اهمیت دارند (شهیدی، نجانی و کمری، ۱۳۹۴)^۴. پژوهش پیش‌رو از دو جنبه نظری و کاربردی اهمیت دارد. از جنبه نظری، پژوهش باید طوری انجام شود که نتایج آن به نظریه‌ای میانی منجر شود و به بومی‌سازی علم کمک کند. از جنبه کاربردی، شناخت دقیق‌تر فرآیند تمایزیافتگی خود و توجه به مباحث چندفرهنگی در حرفه‌های یاری‌گرانه به مشاوران و خانواده‌درمانگران در پیش‌بینی و انجام مداخلات کمک نماید. آگاهی چند فرهنگی با حساسیت به ارزش‌ها و تجارب مراجعان، فعالیت‌های درمانی و مشاوره‌ای را غنا می‌بخشد (تامسون، ۱۳۸۸). همچنین، خلاء نظری و پژوهشی در حوزه تمایزیافتگی خود

1. Philip R. Shaver
2. Calatrava, M., Mariana, V., Martins, M., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C., & Rodríguez-Gonzalez, M.
3. Hofstede, G., Hofstede, G.J., & Minkov, M.
4. Narayanan, M., & Sriram, S.
5. Sauerheber, J. D., Nims, D., & Carter, D. J.

مشخص شده است. براین اساس، با آگاهی از مزایای فردی، ارتباطی، خانوادگی و اجتماعی تمایزیافتگی خود، در پژوهش حاضر تلاش شد تا به این سؤال که فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود چگونه بازنمایی می‌شود؟ پاسخ داده شود.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

به منظور یافتن پاسخ به پرسش پژوهش و با هدف شناخت دقیق و عمیق فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود و همچنین به دلیل اهمیت زیاد تمایزیافتگی خود در سلامت روان و در حیطه مشاوره و خانواده‌درمانی و فقدان نظریه‌ای بومی در این موضوع پژوهش حاضر باهدف واکاوی و بازنمایی چگونگی شکل‌گیری فرآیند تمایزیافتگی خود در خانواده، با رویکرد کیفی و به روش نظریه برخاسته از داده‌ها^۱ از نوع نظام‌مند انجام شد. تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده‌ها باروش کدگذاری نظری (طی سه مرحله؛ کدگذاری باز، محوری و گزینشی) انجام شد.

۲-۲. میدان پژوهش و نمونه

مشارکت‌کنندگان پژوهش (میدان پژوهش) شامل متأهلین ۳۰ تا ۴۵ ساله شهر تبریز در سال ۱۴۰۱ که با خانواده خود زندگی می‌کردند، بود. تعداد ۱۷ نفر از ایشان به روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری تا رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه نیمه ساختار یافته (۱۰ زن و ۷ مرد) برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، زندگی با خانواده، متأهل بودن و محدوده سنی ۳۰ تا ۴۵ سالگی (برای یکپارچه‌سازی افراد مورد مطالعه؛ باتوجه به اینکه تمایزیافتگی خود در اوایل بزرگسالی تثبیت می‌شود و همچنین در هر خانواده افراد با تکالیف رشدی و رده‌های مختلف سنی حضور دارند که هر کدام باتوجه به دوره‌ای که به از نظر روان‌شناختی در آن قرار دارند، یک جامعه مطالعاتی مجزا را تشکیل می‌دهند، این ملاک در نظر گرفته شد). ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عبارت بود از: درخواست شرکت‌کننده برای خروج از

1. grounded theory

تحقیق، عدم همکاری در پاسخ‌گویی، ارائه پاسخ‌های نامرتبط، احراز داده‌های نامرتبط در زمان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها. در ابتدای فرآیند گردآوری داده‌ها، نمونه‌گیری بیشتر ملاکی و هدفمند بوده و با پیش‌روی فرآیند پژوهش و تحلیل و مقایسه، از نمونه‌گیری جهت‌گیری نظری استفاده شد.

به دلیل رعایت اخلاق در پژوهش، در جدول ۱ آوردن نام شرکت‌کنندگان اجتناب و فقط برخی ویژگی‌های کلی جمعیت شناختی آنها ذکر شده است. همچنین علاوه بر این موارد، برای هر شرکت‌کننده یک کد اختصاصی و محرمانه در نزد مجری پژوهش در اختصاص یافت و در مراحل بعدی پژوهش از آن کد استفاده شد. با توجه به تعهدات کمیت‌ه اخلاق در پژوهش دانشگاه، در ارائه و استفاده از داده‌ها و یافته‌های پژوهش و تحلیل آنها و نیز انتشار اصطلاحات، نمونه روایت‌ها و مقوله‌ها هیچ‌گونه اطلاعات هویتی و جمعیت شناختی افشاکننده منتشر نشد.

جدول ۱

ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	شغل	میزان تحصیلات/رشته	مدت زمان ازدواج به سال	تعداد فرزندان
۱	مرد	۳۶	مهندس (پتروشیمی)	دکتری تخصصی	۴	۱
۲	زن	۳۶	مسئول فنی داروخانه	داروسازی	۱۴	۲
۳	مرد	۳۸	حسابدار (مؤسسه حسابداری و مالی)	کارشناسی ارشد (حسابداری)	۱۰	۳
۴	زن	۳۷	وکیل	کارشناسی ارشد (حقوق خصوصی)	۶	۱
۵	زن	۳۲	کارمند (بخش غیردولتی)	کارشناسی ارشد (مدیریت امور بیمه)	۵	۱
۶	زن	۳۴	معلم (بخش دولتی)	کارشناسی ارشد (آموزش ابتدایی)	۸	۲
۷	مرد	۳۲	آزاد	کارشناسی (مدیریت صنعتی)	۳	۰
۸	زن	۴۲	پرستار	کارشناسی ارشد (مراقبت‌های ویژه)	۱۳	۲
۹	زن	۳۲	مربی (بخش غیردولتی)	کارشناسی (علوم تربیتی)	۹	۱
۱۰	زن	۳۳	کارشناس آزمایشگاه تشخیصی (بخش غیردولتی)	کارشناسی ارشد (هماتولوژی)	۵	۱

۱۱	مرد	۳۸	کارمند بانک	کارشناسی ارشد (حسابرسی)	۷	۲ (دوقلو)
۱۲	زن	۳۷	چشم پزشک	دکتری تخصصی	۹	۲
۱۳	مرد	۴۲	معلم (بخش دولتی)	کارشناسی ارشد (آموزش زبان)	۱۳	۲
۱۴	مرد	۳۶	کارمند (بخش دولتی)	کارشناسی (برنامه ریزی شهری)	۴	۱
۱۵	زن	۳۰	کسب و کار شخصی مرتبط با تحصیلات	کارشناسی ارشد (طراحی فرش)	۵	۰
۱۶	زن	۳۷	کارمند (بخش دولتی)	کارشناسی (امور اداری و دفتری)	۱۴	۳
۱۷	زن	۳۲	اشتغال غیررسمی و پاره وقت (مدرس و مترجم)	کارشناسی ارشد (ادبیات انگلیسی)	۵	۱

۲-۳. شیوه گردآوری داده‌ها

به منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در مجموع ۲۲ مصاحبه انجام شد که دو مورد آزمایشی و سه مورد به دلیل داده‌های نامناسب حذف شدند. اشباع نظری در مصاحبه‌های ۱۴ و ۱۵ آشکار شد و پس از آن دو مصاحبه دیگر نیز انجام و تحلیل گردید تا از اشباع نظری اطمینان حاصل شود. در نهایت ۱۷ مصاحبه باقی ماند. ۱۳ جلسه به صورت حضوری، سه جلسه تلفنی و یک جلسه به شکل تصویری برگزار شد. هر مصاحبه با گفت‌وگوی روزمره آغاز و سپس به پرسش‌های اصلی پرداخته شد.

۲-۴. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده‌ها باروش کدگذاری نظری (طی سه مرحله؛ کدگذاری باز، محوری و گزینشی) انجام شد. در مرحله کدگذاری باز بدون چارچوب از پیش تعیین شده صرفاً براساس محتوی موجود در روایت‌ها و نقل قول‌ها کدهای اولیه شناسایی شد. سپس با مرور این کدها رویدادها، رفتارها و کنش/واکنش‌هایی که از نظر مفهومی ماهیت یکسانی داشته یا از نظر معنا به هم مرتبط بودند، ذیل مفهوم‌های انتزاعی (زیرمقوله) دسته‌بندی شد. در مرحله کدگذاری محوری از بین مقوله‌ها شناسایی شده در مرحله قبل، مقوله محوری که از نظر انتزاعی و قابلیت توضیحی امکان جای‌گذاری

باعنوان پدیده محوری داشتند، انتخاب شد و در مرکز الگوی پارادایمی قرار گرفت. سپس سایر مقوله‌ها در پنج دسته (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) جایگذاری و الگوی پارادایمی تشکیل شد. در مرحله کدگذاری گزینشی، با برقراری روابط مفهومی بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها، گزاره‌ها^۱ تدوین شد و نظریه میانی^۲ ارائه گردید. سپس نظرات و مفاهیم در طبقه‌های یکسان قرار گرفتند و در نهایت، فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود در خانواده شناسایی و در قالب نظریه‌ای میانی بازنمایی شد. در نهایت ۴۶۱ کد اولیه و ۱۱۷ زیرمقوله و ۱۸ مقوله استخراج شد و در بخش‌های شش‌گانه الگوی پارادایمی طبقه‌بند گردید و یک نظریه میانی تکوین یافت.

فرایند تحلیل داده‌ها، با استفاده مستمر و مؤثر از نظرات تخصصی گروه تحقیق، انجام شد. که نقل ایشان در ادامه به اختصار بیان می‌شود:

«فرایند کدگذاری باز را در سه گام انجام دادم؛ در گام اول کدگذاری باز، بدون چارچوب از پیش تعیین شده و فقط براساس محتوی موجود در روایت‌ها و نقل قول‌ها که از آن به گزاره‌های مفهومی یاد می‌شود به شناسایی کدهای اولیه پرداختم و استخر کدها را ایجاد نمودم. در گام دوم تلاش کردم تا با مرور کدهای اولیه، رویدادها، رفتارها و کنش/واکنش‌هایی را که از نظر مفهومی ماهیت یکسانی داشتند یا از نظر معنا به هم مرتبط بودند، ذیل مفاهیم انتزاعی که زیرمقوله نامیده می‌شوند، دسته‌بندی کنم. در گام سوم، زیرمقوله‌های تدوین شده را به دسته‌های انتزاعی‌تر که مقوله نامیده می‌شود، دسته‌بندی کردم. در مرحله‌ی بعد که کدگذاری محوری نامیده می‌شود، در سه گام تلاش کردم تا از بین مقوله‌ها شناسایی شده در مرحله کدگذاری باز، مقوله محوری را که از نظر انتزاعی و قابلیت توضیحی امکان جای‌گذاری با عنوان پدیده محوری داشت، انتخاب کردم و در مرکز الگوی پارادایمی خویش قرار دادم. در گام بعد سایر مقوله‌ها را در پنج دسته شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها جایگذاری کرده و الگوی پارادایمی را تشکیل دادم. لازم به ذکر است که پدیده محوری، به مرکزیت و کانون الگوی پارادایمی برآمده از طرح سیستماتیک نظریه برخاسته از داده‌ها اشاره دارد که به لحاظ انتزاعی از

1. propositions
2. middle range theory

سطح قابل قبولی برخوردار است و می‌تواند ارتباطات بین سایر مقولات پنج‌گانه را مطابق مسئله پژوهش تبیین نماید. در بخش نهایی که از آن با عنوان کدگذاری گزینشی یاد می‌شود تلاش کردم تا با برقراری روابط مفهومی بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها، گزاره‌ها را تدوین کرده و نظریه میانی^۲ خود را ارائه نمایم. به عبارت دیگر در مرحله کدگذاری گزینشی، پژوهشگر به تدوین نظریه‌ای میانی درباره‌ی رابطه‌ی میان مقوله‌های به دست آمده در الگوی کدگذاری محوری با نگارش گزاره‌ها می‌پردازد. در حقیقت، این مرحله، فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود نظریه است. وظیفه بعدی پژوهشگر، دسته‌بندی و مقایسه مفاهیم استخراج شده از دل داده‌ها است که در این مرحله، نظرات و مفاهیم در طبقه‌های یکسان قرار گرفتند و در نهایت، فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده شناسایی و در قالب نظریه‌ای میانی بازنمایی شد. به عبارت دیگر، این مرحله از کدگذاری، تلفیق و پالودن نظریه بود و از طریق به نگارش درآوردن حکایت‌گونه رابطه میان مقوله‌ها به دست آمد.

۲-۵. اعتباریابی

اعتباریابی در پژوهش حاضر با رویکرد تلفیقی و ملاک‌های چندگانه انجام شد. روایی درونی، اعتمادپذیری یا صحت داده‌ها، بیشتر به غنای داده‌ها، انسجام داده‌ها و توانایی تحلیل محقق وابسته است. صحت به گستردگی تأیید تفسیر محق توسط دیگران اشاره دارد؛ یعنی به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا افراد دیگر به غیر از خود محقق، تفسیر و نتیجه‌گیری او را تأیید می‌کنند. (صالحی، بازگان، صادقی و شکوهی یکتا، ۱۳۹۴) بدین به منظور صحت داده‌ها و میزان اعتماد و باورپذیری یافته‌های حاصل شده از تحلیل داده‌ها توسط دو نفر از متخصصان آشنا با ماهیت موضوع پژوهش بررسی شد تا افزایش اعتمادپذیری داده‌ها تأمین گردد. برای افزایش روایی بیرونی یا انتقال‌پذیری یافته‌ها از راهبرد چندسویه‌سازی داده‌ها بهره گرفته شد. در این راهبرد، علاوه بر داده‌های روایتی حاصل از مصاحبه‌ها، به اسناد، مبانی و شواهد پژوهشی نیز مراجعه شد. برای گردآوری داده‌ها از دستیار پژوهشگر و همچنین در تحلیل داده‌ها و بررسی اعتبار آنها نیز میزان توافق بین دو کدگذار برای متون یکسان بررسی شد و مورد تأیید قرار گرفت. همچنین جلسات مصاحبه‌ها در مکان و

1. propositions

2. middle range theory



زمان‌های متفاوت و جلسات مختلف حضوری و مجازی انجام شد.

برای افزایش اتکاپذیری و ثبات یافته‌ها تلاش شد تا با تهیه و ارائه شواهد پژوهشی، مبانی و اسناد کافی درباره پدیده مورد مطالعه و شرح دقیق روش و اجرای مطالعه انجام شود. همچنین علاوه بر ملاک مذکور، برای بررسی تطابق همگونی داده‌ها، ثبات و همگرایی آنها از مراجعه به سه نفر از مشارکت‌کنندگان برای کنترل و بررسی مفاهیم شناسایی شده و مقوله‌ها نیز بهره گرفته شد. تأییدپذیری در پژوهش حاضر هم با توضیح و شرح جزئیات از فرآیند گردآوری داده‌ها، روش پژوهش و تحلیل داده‌ها، تأمین شد. بدین منظور، برای قانع کردن خوانندگان و تأییدپذیری، از اصطلاحات و روایت‌های هر یک از مصاحبه‌شوندگان (با حفظ اصل رازداری) و توضیحات دقیق استفاده شد. همچنین ملاک برآزش در نظریه برخاسته از داده‌ها نیز بر این مورد دلالت دارد که نظریه باید بر داده‌ها برآزش یافته باشد (بازرگان، ۱۳۹۷)؛ یعنی فرآیند شناسایی کدها و مفاهیم اولیه، مفهوم‌سازی‌ها و حرکت به سوی انتزاع و تکوین نظریه مبتنی بر داده‌ها یا با استناد به داده‌ها برآزش یافته و شکل گرفته است. همچنین پژوهشگر برای بررسی ملاک برآزش، تشکیل و ارتباط منظم میان مقوله‌ها و یکپارچه‌سازی آنها، مراحل مختلف فرآیند تحلیل کیفی را به‌طور دقیق توضیح داد.

۳. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه برخاسته از داده‌ها، بازنمایی فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود در خانواده‌ها بررسی شد. با تبدیل به متن و پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و مقایسه مداوم داده‌ها براساس فرآیند دورانی در نظریه برخاسته از داده‌ها، مفاهیم از درون آنها استخراج و در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. برای آنکه وقایع، ایده‌ها و رویدادهای مشابه در یک واحد یا یک دسته گروه‌بندی شوند، مفهوم‌سازی که همان انتخاب یک نام برای هر رویداد یا اتفاق است، با کاوش عمیق در یک جمله، سطر یا پاراگراف انجام شد و به هر کدام از آنها یک مفهوم یا کد اختصاص داده شد. به‌طور کلی از تحلیل اولیه داده‌ها در مجموع ۴۶۱ کد اولیه شناسایی شد و در ادامه فرآیند کدگذاری با مقایسه مفاهیم، شناسایی موارد مشابه و مشترک، کدها یا مفاهیم در قالب ۱۱۷ زیرمقوله

مشخص شدند. در مرحله بعد، زیرمقوله‌های به دست آمده در ۱۸ مقوله طبقه‌بندی شد و در نهایت در ۶ بخش الگوی پارادایمی قرار گرفت.

جدول ۲

بخش‌ها و تشکیل مقوله‌ها از زیرمقوله‌ها

بخش‌های شش‌گانه	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
پدیده‌های محوری	استقلال فکری	قدرت تصمیم‌گیری، قدرت انتخاب، استقلال رأی، احساس مالکیت فکری، شیوه فکر متفاوت، خلاقیت و بکرآفرینی، خلق و خوی متفاوت، منحصربه‌فرد و خاص بودن، خوی رقابت جویانه، جهت‌گیری ایدئولوژیک، اعتقاد متفاوت، فرای جامعه بودن، حس برتری جویی، کمال‌گرایی، سبک زندگی متفاوت.
	هویت طلبی	هویت متفاوت شخصی، تصور واقعی از خود، تفاوت‌های فردی، درک معنای باطنی، خودآگاهی، احساس استقلال و اطمینان به خود، قاطعیت، پراورزی و با روحیه بودن، هدف‌مندی، تخصص و استعداد.
شرایط علی	منزلت اجتماعی	موقعیت فرد در زندگی، پایگاه اجتماعی، تفاوت‌های ظاهری، نقش‌های اجتماعی، روابط گسترده اجتماعی، پایبندی به تعهدات اجتماعی، موقعیت‌شناسی، جایگاه شغلی، رفتار موقعیتی، صفات نیکوی انسانی، خوش‌رفتاری، اهمیت دادن به ادب و نزاکت و رفتار محترمانه.
	شرایط چالش برانگیز	موقعیت‌های چالش برانگیز، شرایط سخت زندگی، شرایط تحصیلی، متفاوت بودن شرایط زندگی، بهره‌گیری از فرصت‌های چالش‌زا و تلاش برای اثبات خود.
شرایط زمینه‌ای	انگیزه و علاقه به پیشرفت و تغییر	اراده راسخ، داشتن برنامه، احساس نیاز به تغییر، انگیزه خلاقیت، انگیزه پیشرفت، انگیزه خودسازی، انگیزه خودشناسی، انگیزه خودشکوفایی، پیگیری علایق و استعدادها، پیگیری حرفه مورد علاقه، پافشاری بر خواسته‌ها، توجه به علایق و استعدادها و پیگیری رشته مورد علاقه.
	بسترها و رویدادها در خانواده	تشکیل خانواده و ازدواج، گرایش به شغل خانوادگی، تجربه مسئولیت‌های بیشتر در خانواده، تاب‌آوری در خانواده، تجارب مختلف خانوادگی، نحوه رفتار اعضای خانواده و محیط شلوغ خانواده.
	حمایتی اجتماعی و مشارکتی	هدفمندی خانواده، راهنمایی‌های والدین، حمایت‌های اعضای خانواده، احساس امنیت در خانواده، اهمیت نظم در خانواده، فضای تشریک مساعی در خانواده، فضای محترمانه در خانواده، ترغیب و تشویق‌های خانوادگی، مقبولیت خانوادگی و همکاری میان اعضای خانواده.
	ارتباط با الگوهای موفق	حضور الگوهای موفق، ارتباط با الگوهای موفق، کمک‌آشنایان، رقبای سرسخت، تجربه بودن در محیط علمی، فرصت‌های مطالعه و ادامه تحصیل، حضور گروه همسالان موفق، وجود افراد الگو و مشوق در خانواده، وجود فضای رقابتی، شرایط محیطی فعال ساز، شرایط شغلی مناسب، حمایت از اشتغال شخصی.
شرایط واسطه‌ای	ساختارهای اجتماعی و فرهنگی	مرزبندی نقش‌ها، پذیرش نقش‌ها، آشنایی با آداب و رسوم، قوانین خاص فرهنگی، تجربه فرهنگی متفاوت، ورود به محیط اجتماعی جدید، باورهای فرهنگی و جمعی، جامعه‌پذیری، تفاوت‌ها و تشابه‌ها در جامعه.
	توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گر	تحصیلات تکمیلی، انتخاب‌های فردی، خودحمایتی، شناخت توانایی‌ها، خویشتن‌پذیری، کنجکاوی، منتقد بودن، انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری، تسلیم‌ناپذیری، داشتن اراده و پشتکار و آگاهی از مسئولیت‌ها.
شرایط واسطه‌ای	تمایل به موفقیت و اجتناب از شکست	غلبه بر خُلق منفی، غلبه بر چالش‌ها، درس گرفتن از شکست‌ها، تاب‌آوری در زندگی، توجه به نتایج رویدادها، تصمیمات موفقیت‌آمیز فردی و گریز از احساس شکست.

تجربه‌های متفاوت در زندگی	علاقه‌مندی به عقاید مختلف، تجربه دنیای مدرن توأم با درک سنت‌ها، بازخوردهای اطرافیان، تفکیک نقش‌های جنسیتی در خانواده، فرصت‌های متنوع حرفه‌ای، تجربه‌های مؤثر شغلی، تجربه نقش‌های متفاوت در زندگی.
رفتارهای مسئولانه و همیاری	مسئولیت‌پذیری، تأمین سلامت خانواده، رعایت مرزها، وفاق و همراهی، مشورت و همفکری، رفتار متعادل با دیگران، رفتار اجتماعی مناسب، یاری‌گری در اجتماع، صمیمیت با دیگران، معاشرت اجتماعی، مراد و تبادل نظر، مشارکت در امور اجتماعی.
رفتارهای سنجیده و شایسته	تلاش برای هدفمندی، تأمل در برخورد با مسائل، رفتار موقعیتی، پایش رفتار قبل از اقدام، تلاش سنجیده و حساب‌شده، واقع‌بینی، شناسایی موقعیت‌ها، صبر و شکیبایی، سنجش اقدامات، نتیجه‌سنجی رفتارها، فعالیت‌های هدف‌گرا و یازینی رفتارها.
تلاش برای کنترل احساسات و رفتارها	ثبات قدم داشتن، سخت‌کوشی، لذت بردن از زندگی، سازگاری با شرایط مختلف، صراحت و همدلی، اطمینان‌جویی، خودباوری، نقدپذیری، قدرت نه گفتن، قدرت عمل، کنترل خلق‌وخو، کنترل هیجانات، بیان احساسات، ثبات هیجانی و رفتارهای غیرهیجانی.
رضایت‌مندی از زندگی	تثبیت جایگاه اجتماعی، متنوع کردن زندگی، اتخاذ تصمیم‌های مشترک، توافق در زندگی، حل مشارکتی مسائل زندگی، هماهنگی و انسجام خانوادگی، شادمانی در زندگی، توجه به تفاوت‌ها، تشخیص امور مهم زندگی، خرسندی از زندگی.
موفقیت و پیشرفت	استقلال بیشتر، انگیزه‌مندی در کار، آینده‌نگری، موفقیت حرفه‌ای، دستاوردهای شغلی، نوآوری، حل‌خلاقانه مسائل، پشرفت کردن، ابتکار عمل.
خودتاکایی توأم با بهبود روابط	خودبسن‌دگی، متکی بودن به خود، بهتر شناختن خود، احساس خود-ارزشمندی، شکل‌گیری طرز فکر جدید، چالش‌پذیرتر شدن، شهامت و تلاش‌گری، متعهد بودن، درک دیگران، احترام به تفاوت‌ها، جلب اعتماد دیگران، بهبود کیفیت روابط، درک احساسات، توجه به احساسات، توجه به همدیگر، رشد اعتماد به نفس و وظیفه‌شناسی.

۳-۱. پدیده‌های محوری در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

در ابتدا، پژوهش‌گر هریک از مقوله‌های کلی را در جایگاه پدیده‌های محوری قرار داده و به‌طور مجزا ارتباط آن با سایر مقوله‌ها را بررسی کرد تا مقوله‌هایی که قدرت تبیین کل مطالب را نداشت، کنار گذاشته شود. با دقت و بررسی چندین باره داده‌ها و مقوله‌ها، سهولت و سرعت اشباع، پیامد مشخص آن برای تکوین نظریه، بهره‌گیری از یادداشت‌های تحلیلی و بررسی ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر، سه مقوله کلی یا مرکزی در پدیده‌های محوری تعیین شد که در ادامه بررسی شده است.

۳-۱-۱. استقلال فکری

داشتن شیوه تفکر متفاوت از دیگران، قدرت انتخاب و توانایی تصمیم‌گیری مستقل در موقعیت‌های مختلف زندگی برای شرکت‌کنندگان بدین معناست که می‌توانند خود را از دیگران متمایز و به عبارتی خود را تمایز یافته بدانند. داشتن نگرش‌ها و عقاید خاص خود به مثابه یکی از پدیده‌های محوری فرآیند تمایز یافتگی خود در مصاحبه‌شوندگان پژوهش

حاضر به شکل های مختلفی مورد تأکید بود. یکی از شرکت کنندگان تجارب خود را در این مورد بدین گونه شرح داد: «... اعتقاداتی که خودم به اونا رسیدم و شکلشون دادم وجه ممیزه من هست و به من جهت میده...». شرکت کننده دیگری بیان کرد: «... من تمایز یافته بودن رو مثل خلاقیت تعریف می کنم... اگه بخوای خلاق و آفریننده باشی باید متفاوت فکر کنی و دست به عمل و تصمیم بزنی...».

۳-۱-۲. هویت طلبی

داشتن توانایی ها و تأکید بر آنها در داده های مصاحبه ای نشانه ای از هویت خود یا تمایز با دیگران مطرح شده است. به عبارتی دیگر، از نظر مصاحبه شوندگان داشتن برخی از توانمندی ها می تواند آنها را از دیگران متمایز نشان دهد و به مثابه هویت شخصی تلقی شود. برای نمونه مصاحبه شونده ای بیان کرد: «... همین که فرد در محدوده خودش، حیطه کاری یا هر حیطه ای به درجه ای از مهارت و توانایی برسه کفایت می کنه که خودش رو متفاوت در نظر بگیره...». همچنین شرکت کننده دیگری این مورد را توضیح داد: «... تعریف هر کس از خودش با دیگران فرق می کنه و اینکه من خودم رو چقدر و چجوری شناختم که بر اساسه واقعیته خیلی مهمه...».

۳-۱-۳. منزلت اجتماعی

برای شرکت کنندگان در پژوهش حاضر تمایز یافتگی خود به معنای جایگاه و منزلت اجتماعی در حوزه های مختلف بود به طوری که رفتار کردن متناسب با همان جایگاه می تواند آنها را از دیگران متمایز نشان دهد و دلیلی بر تمایز یافتگی شان باشد. برای مثال، مصاحبه شونده ای نکته نظرات خود را به این صورت مطرح کرد: «... من از خودم و بقیه، به خصوص از خودم یک سری انتظاراتی دارم که به اقتضای شرایط، لازم هستن و باید رعایت بشن... آدم باید یه خط و خطوطی برای خودش ترسیم کنه تا بتونه مشخص کنه چی، کجا خوبه، بده یا نامناسبه...». همچنین توضیح شرکت کننده دیگری هم این گونه بود: «... اینکه من موقعیت ها رو خوب بشناسم و بدونم کجا باید همسو با دیگران حرکت کنم و کجا از خودم تمایز نشون بدم. به قول معروف میگن: هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد...».

۳-۲. شرایط علی مرتبط با فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود

شرایط علی، مقوله‌هایی مربوط به شرایطی است که بر پدیده‌های محوری و از آن طریق بر راهبردها و پیامدها مؤثر است. براساس تحلیل متون مصاحبه‌ها، مقوله‌های شناسایی شده اصلی مربوط به شرایط علی در فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود به همراه نمونه‌هایی از گزاره‌های کلامی در مصاحبه‌ها در سطور زیر ارائه شده‌اند.

۳-۲-۱. شرایط چالش برانگیز

شرایطی که مصاحبه‌شوندگان در زندگی با آن مواجه شده و تجربه کرده‌اند، آنها را با چالش‌ها و دشواری‌هایی روبرو کرده است که چنین تجربه‌هایی آنها را بنا به گفته خودشان متمایز کرده است. بنابراین، تجربه شرایط چالش برانگیز یکی از شرایط شکل‌دهنده تمایزیافتگی خود برای آنها به‌شمار می‌رود. مصاحبه‌شونده‌ها در این مورد بیان کردند: «...زندگی تلخ و بد، اما خیلی خوب به من یاد داد فقط به خودم چشم بدوزم فقط از خودم انتظار داشته باشم نه کس دیگه‌ای... خلاصه بگم که همیشه قرار نیست زندگی عالی و بی نقص باشه، شرایط سخت هم می‌تونه آدم رو متفاوت بار بیاره...»؛ «...زندگی همش موقعیت‌های سخت داره و به چالش کشیده میشی؛ با شاغل شدن و ازدواج کردن و... به نظرم مهمترین بخشش همینیه یعنی، مثلاً خودم چقدر تلاش کردم تا تصمیماتم رو عملی کنم، به اهدافم برسم، از عهده زندگی و سختی‌هاش بریام...».

۳-۲-۲. انگیزه و علاقه به پیشرفت و تغییر

از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، هدفمندی، داشتن انگیزه و احساس نیاز به تغییرات در خود و همچنین حرکت در مسیر پیشرفت و ارتقای خود نیز منجر به شکل‌گرفتن تمایزیافتگی خود می‌شود. به عبارت روشن‌تر، داشتن انگیزه و علاقه‌مندی به تغییر و ارتقا یافتن از شرایطی است که فرد را از دیگران متمایز می‌کند. مصاحبه‌شوندگان تجارب خود را در این مورد این‌گونه بیان کردند: «...اصلی‌ترین عامل، خودِ شخص هست؛ اینکه من خودم رو چقدر می‌شناسم و چقدر حواسم به رفتار و گفتارمه به کارهامه. به نظرم اینکه آدم خودشو خوب بشناسه خیلی مهمه و باعث میشه آدم روبه‌رشد باشه. مثلاً من به جای اینکه صرفاً خودمو با دیگران مقایسه کنم، افکار و انگیزه‌هامو بررسی کنم...»؛ «...من در طول زندگیم توی هر شرایطی که قرار گرفتم یا مشکلاتی برای من پیش اومده به جای اینکه زود احساس شکست کنم سعی کردم خودمو سرپا نگه

دارم، بالا بکشم، انگیزه‌ام رو نیازم... این انگیزه‌ای هست که منو پیش میبره؛ به احساس درونیه...».

۳-۳. شرایط زمینه‌ای مرتبط با فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

شرایط زمینه‌ای، مجموعه‌ای از عوامل، رویدادها، پدیده‌ها یا ویژگی‌هایی است که به‌طور غیرمستقیم در شکل‌گیری و بروز راهبرها یا کنش/واکنش‌ها مؤثرند.

۳-۳-۱. ارتباط با الگوهای موفق

ارتباط با افراد موفق زمینه‌ای را فراهم کرده است تا مصاحبه‌شوندگان آنان را به مثابه الگوی خود برگزینند. در نتیجه تطبیق دادن اهداف، عملکردها و رفتارها با الگوهای موفق زمینه را برای متمایز شدن افراد فراهم آورده است. برخی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر تجارب خود را در این مورد بدین‌گونه بیان کردند: «... بودن توی یه محیط رقابتی، اما سالم خیلی تونست برام مفید باشه. خواهر بزرگترم از معلمی شروع کرد، ولی الآن استاد دانشگاه هست و شغلش رو خیلی دوس داره. یا دخترخاله هم‌سنم بار اول پزشکی قبول شد، بعدش واسه تخصص با حمایت خانواده رفت انگلیس...»؛ «... پدرم اهل مطالعه بود، از اون برامون یه کتابخونه شخصی یادگار مونده که تا حالا حفظش کردیم. همیشه، بخصوص در سنین بلوغ ما رو به مطالعه تشویق می‌کرد و می‌گفت حالا نخونید بعداً زندگی فرصت نمیده؛ اون الگوی خوبی برامون هست...».

۳-۳-۲. جو مشارکتی و حمایتی خانواده

اغلب مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که فضای روان‌شناختی و ارتباطی حاکم در خانواده آنها از نوع مشارکتی بوده و اعضای خانواده به‌ویژه والدین‌شان از انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و تمایل به استقلال آنها حمایت کرده‌اند. وجود فضای مشارکتی و حمایتی در خانواده نشان می‌دهد که نهاد خانواده می‌تواند در تمایز یافتگی افراد حائز اهمیت باشد. برای مثال، برخی مصاحبه‌شوندگان بیان کردند: «... انتخابم بر حسب علاقه بود، اما از طرفی هم اعضای خانواده به‌خصوص پدرم خیلی تشویق می‌کرد که انتخابم هدفی داشته باشه، مثلاً می‌گفت این رشته آینده خوبی داره و راحتتر می‌تونی شاغل بشی و هم بهش علاقه داری، توی خانواده ما هر کاری بایست یه هدفی داشته باشه، اینطوری نیست که هر چه پیش آید خوش آید...»؛ «... خوشبختانه برای من بد نبوده و من خودم رو مدیون تربیت و حمایت‌های پدر و مادرم می‌دونم...»؛ «... ما توی

خانواده‌ها مون شاهد طرد شدن کسی یا قهر و جدایی نبودیم. سعی بر این بوده که کنار هم بسازیم همو قبول داشته باشیم...».

۳-۳-۳. بسترها و رویدادها در خانواده

نتایج حاصل از تحلیل متون مصاحبه‌ها نشان داد که تجربه‌ها، رویدادها و رفتارها در خانواده بستری را فراهم کرده است که فرآیند تمایز یافتگی را سهولت و سرعت بخشیده است. وقایع و رویدادها در محیط خانواده با غنا بخشیدن به تجربیات افراد، تمایز یافتن آنها را تسهیل کرده است. برای مثال برخی مصاحبه‌شوندگان در این مورد بیان کردن: «... توی فرهنگ ما به خصوص برای پسرها، مستقل شدن و خانواده تشکیل دادن خیلی مهمه، اما این روزا به تنهایی تشکیل دادن زندگی یا مستقل شدن برای جوان‌ها تقریباً غیرممکنه؛ منم با پشتیبانی خانواده مخصوصاً پدرم به جایی رسیدم که بهم احساس رضایت میده...»؛ «... هر چقدر توی زندگی تجربه داشته باشی به همون اندازه پخته‌تر میشی. من موقعی که نوجوون بودم چیزایی که توی خانواده یاد گرفتم خیلی بیشتر از مدرسه بود، اما هر موقعیتی، هر تجربه‌ای می‌تونه مؤثر باشه و به چیزی بهت یاد بده...».

۳-۳-۴. ساختارهای اجتماعی و فرهنگی

ساختارهای اجتماعی و فرهنگی همان چارچوب‌هایی است که خواه و ناخواه رفتار اعضای جامعه و به تبع آن اعضای نظام خانواده را هدایت می‌کند. به عبارتی، اکثر رفتارهای مرتبط با تمایز یافتگی خود در اعضای خانواده در مسیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته، حرکت کرده و جهت یافته است. بنابراین، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه شرایطی را برای تمایز یافتگی افراد فراهم می‌سازد. برای نمونه قسمت‌هایی از متون مصاحبه‌ها تأیید می‌کند که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، زمینه را برای این فرآیند بسترسازی می‌کنند. برخی مصاحبه‌شونده‌ها بیان کردند: «... ما هم مثل همه خانواده‌ها آداب و رسومات خودمون رو داریم و اینکه خانواده همسر ما از یه فرهنگ دیگه هستن برام مشکل ساز نبوده، اتفاقاً خوشاینده... ارتباط گرفتن با آدما از یه فرهنگ دیگه سخته، اینکه عضوی از خانواده‌شون بشی سخت‌تره، اما من این رو به یه تجربه خوب تبدیل کردم...»؛ «... ما فقط مادیات رو به ارث نمی‌بریم. یه چیزایی هست که از جامعه به آدما و از اونا به بچه‌هاشون منتقل

میشه، به سری عقایدی که ممکنه اشتباه باشن، اما انتقال پیدا کنن و خیلی‌ها باورشون کنن مثل این عقیده که خانه‌داری واسه خانوم‌ها بهترین شغله یا مردها نباید احساساتشون رو بروز بدن. من به شخصه با چنین عقایدی می‌جنگم، اما با چیزای خوبی که توی فرهنگمون هست و باید اونا رو بپذیریم مخالفتی ندارم...».

۳-۴. شرایط واسطه‌ای مرتبط با فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

شرایط واسطه‌ای، مجموعه رویدادها، عوامل یا ویژگی‌هایی است که به‌طور غیرمستقیم و با واسطه بر فرآیند شکل‌گیری پدیده مورد مطالعه اثر می‌گذارد. بنابراین، در ادبیات روش‌شناختی از آن به شرایط مداخله‌گر نیز یاد می‌شود

۳-۴-۱. توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گر

توانمندی‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فردی شرط اصلی فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی افراد نیست، اما این فرآیند را سرعت می‌بخشد. فرد به موازات اینکه اهداف و برنامه‌ای دارد و برای تحقق آنها با انگیزه و اراده و با تکیه بر توانایی‌های خود در تلاش است، می‌تواند فرآیند متمایز شدن خود را تسریع و تسهیل کند. برای مثال روایت برخی شرکت‌کننده بدین شرح بود: «... اولاً قرار گرفتن توی محیط خوب و پُر امکانات کافی نیست. ثانیاً باید به اراده‌ای، تلاش و کوششی واسه رشد و پیشرفت کردن وجود داشته باشه؛ اینالازم و ملزوم همدیگه هستن. من در طول زندگیم توی هر شرایطی که قرار گرفتم یا مشکلاتی برابم پیش اومده به جای اینکه زود احساس شکست کنم، سعی کردم به چشم کسب تجربه به حوادث نگاه کنم...»؛ «... اول باید توانایی‌ها تو بهتر بشناسی، بعدش اقدام کنی. ای‌کاش! منم زودتر اقدام می‌کردم؛ چون فقط لیسانس گرفتم و ادامه ندادم، بعدش هم شاغل نشدم، اما الان چند سالی میشه که غیررسمی وارد بازار کار شدم و این تجربه خیلی خوبیه برای من...».

۳-۴-۲. تجربه‌های متفاوت در زندگی

اینکه فرد تا چه حدی نقش‌های متفاوتی در محیط خانواده و جامعه ایفا کرده باشد، به غنی شدن تجربیات او منجر می‌شود؛ چنین شخصی می‌تواند در پیشبرد اهداف و انگیزه‌های خود از این تجربه‌ها یاری بجوید. مصاحبه‌شوندگان اغلب بر این موضوع تأکید

داشتند که در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی‌شان، تجربیات قبلی که به واسطه پذیرش نقش‌ها و حضور در محیط‌های متفاوت و مختلف بوده است، به آنها کمک کرده است. برخی شرکت‌کننده در این مورد بیان کردند: «... من ترم اول دانشگاه بودم، می‌رفتم مدرسه‌ای که عمومیم اونجا دبیر ریاضی بود واسه دانش‌آموزها کلاس‌های فوق برنامه برگزار می‌کردم. نوجوان که بودم به کارگاه نجاری شوهر عمه‌ام می‌رفتم، خیلی چیزها یاد گرفتم. اون موقع که پدرم بیمارستان طبابت می‌کرد هر از گاهی پیش اونم می‌رفتم...»؛ «... قرار گرفتن توی موقعیت‌های مختلفی که [حتی] می‌دونی موقتی هستن، بازم تأثیر می‌ذارن. دانشگاه رفتنم یعنی، دوران دانشجویی یا سربازی خودش تجربه هست و یا کارهای موقتی که قبل از اشتغال دائمی تجربه کردم هر کدوم برای من یه درسی دادن، چیزی اضافه کردن...».

۳-۴-۳. تمایل به موفق بودن و اجتناب از شکست

دوری جستن از شکست‌ها و غلبه بر چالش‌ها که به نوعی می‌تواند با تمایل به موفقیت مرتبط باشد، تقویت‌کننده‌ای قوی است که در روان‌شناسی همواره مورد توجه و بحث بوده است. این اصلاح به وضوح ارتباط بین دوری از شکست‌ها، غلبه بر چالش‌ها و تمایل به موفقیت را مشخص می‌کند و تناقض موجود را برطرف می‌کند. انگیزه جلوگیری از شکست‌ها و تمایل به چالش‌پذیری می‌تواند کمک کند تا فرآیند متمایز بودن با سرعت بیشتری شکل گرفته و تکامل یابد. چنانچه تاب‌آوری و سرسخت بودن در زندگی، عبرت‌گیری از شکست‌ها، پذیرش مشکلات و تلاش برای فائق آمدن بر آنها نیز می‌تواند شرایط یا عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمایز یافتگی خود را تسهیل کرده و بر راهبردهای آن تأثیرگذار باشد. برای مثال، برخی مصاحبه‌شونده‌ها تجارب مرتبط با این مقوله را بدین شرح بیان کردند: «... توی محیطی که همه چی و همه کس شبیه هم هستن، تفاوت‌ها و به قولی تمایزها چطوری به وجود بیان... شباهت‌ها منجر به شباهت‌ها میشن، اما اگه قرار باشه من متمایز بشم این از شرایط یا کسی که شبیه منه اتفاق نمیفته در مقابل، با بودن توی محیط یا برخورد با آدمایی [این ایجاد] میشه که متفاوت هستن و من رو به چالش می‌کشن که باید از عهدشون به خوبی بریام...»؛ «... برای اولین بار که احساس استقلال رو تجربه کردم، زمانی بود که واسه دانشگاه رفتم به یه شهر دیگه... یادم میاد اون اوایل احساس استرس می‌کردم و بعدها حس دل‌تنگی خیلی زیاد بود، اما کنار او مدم. اینا

دلیلی نبودن که من به خاطرشون بخوام انصراف بدم برگردم به قول معروف لگد به بختم بزنم...».

۳-۵. راهبردهای مرتبط با فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

راهبردها شامل اقدامات، تعاملات و واکنش و واکنش‌هایی است که در برخورد با پدیده‌های محوری بروز پیدا می‌کنند. راهبردها، حاصل از پدیده‌های محوری در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود است که از شرایط علی به طور غیرمستقیم، و نیز از شرایط زمینه‌ای و شرایط واسطه‌ای به طور مستقیم متأثر بوده‌اند.

۳-۵-۱. رفتارهای مسئولانه و همیاری

اینکه فرد چه رفتار، عملکرد و کنش-واکنش‌هایی دارد، نشان‌دهند این است که فرد، متأثر از پدیده‌های محوری فرآیند تمایز یافتگی خود به چه راهبردها و اقداماتی مبادرت ورزیده است. رفتارهای مشارکتی، همیار و مسئولانه، صمیمیت با دیگران توأم با رعایت مرزهای بین‌فردی، مسئولیت‌پذیر بودن در مقابل دیگران و معاشرت و مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده کنش-واکنش‌های شرکت‌کنندگان در این است که و تجارب‌شان را به اشتراک گذاشته‌اند. برای نمونه، برخی مصاحبه‌شوندگان تجربه‌های خود را بدین صورت بیان کردند: «... من همیشه به ارزیابی از خودم دارم که تا چه اندازه به تعهداتم توی زندگی پایبندم و اون چیزایی که در مسئولیت من هست رو درست و دقیق به‌جا میارم...»؛ «... زندگی با مسئولیت‌هایی همراه و این منو بیشتر به انجام کامل مسئولیت‌ها ترغیب می‌کنه، هیچ‌وقت از قبول مسئولیت فرار نکردم و اگه شغل خودم رو هم در نظر بگیریم برای من همیشه همراه با مسئولیت‌های زیادی بوده...».

۳-۵-۲. رفتارهای سنجیده و شایسته

باتوجه به متون نظری، افراد تمایز یافته می‌کوشند در مواجهه با موقعیت‌ها و شرایط مختلف و یا در برخورد با دیگران، آگاهانه، سنجیده و به شایستگی عمل کنند، در عین حال به مقتضیات نیز توجه می‌کنند تا رفتاری ناسازگار با موقعیت از خود نشان ندهند و یا در روابط بین فردی درگیر تعارضات نشوند. در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز مشخص شد که این افراد قبل اقدام به عمل، موقعیت‌ها را شناسایی می‌کنند و درمورد اقدامات‌شان فکر می‌کنند، سپس با رفتارهای مقتضی و سنجیده به تعامل می‌پردازند و به‌طور هدف‌مند اقدامات هدف‌مند می‌کنند. مثال‌هایی از متون مصاحبه‌ها در این مورد بدین شرح است:

«...هر چی سن آدم بالاتر میره، می‌بینه که نمی‌تونه مثل قبل عجولانه یا راحت تصمیم بگیره. وقتی مجردی، خودتی و خودت، نهایتش اشتباه هم کنی دودش میره چشم خودت، اما بعد از تشکیل خانواده و بیشتر شدن مسئولیت‌ها دیگه اوضاع فرق می‌کنه، باید قبل هر چیز کلی سبک و سنگین کنی...»؛ «... من همیشه سعی کردم عواقب کارهام رو در نظر بگیرم و بدون فکر کاری انجام ندم؛ اینکه آدم کارهاشو به دلخواه خودش انجام بده، ممکنه خوشایند به نظر برسه، اما باید فکر اون طرفش رو هم بکنه که این کار چه نتایجی می‌تونه داشته باشه که هم خودتو یا بقیه رو متضرر کنه...».

۳-۵-۳. تلاش برای کنترل احساسات و رفتارها

در مصاحبه با شرکت‌کنندگان و تحلیل داده‌های حاصل از آن، روشن شد که یکی از مقوله‌های اصلی راهبردهای مرتبط با فرآیند مورد مطالعه، تلاش برای کنترل احساسات و تنظیم رفتارهاست. در قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان مشخص شد که آنها سعی می‌کنند در ارتباط با دیگران، احساسات و رفتارهای خود را به شکل‌های مختلف ازجمله سازگاری با شرایط، قدرت نه گفتن، قاطعیت نشان دادن، صراحت و همدلی مدیریت کنند. همچنین در ارتباط با خویشتن نیز از طریق خودباوری، نقدپذیری، اطمینان جویی و ابراز هیجانات، احساس‌ها و رفتارهای خود را کنترل و مدیریت می‌کنند. نمونه‌هایی از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان در این مورد بدین شرح است: «... چون خودمو آدم منتقدی می‌دونم در برابر انتقادهای بقیه هم گارد نمی‌گیرم و بیشتر بررسی می‌کنم؛ یعنی نه فقط برای رضایت طرف مقابلم، برای اینکه همیشه احتمال میدم شاید واقعاً یه مشکلی هست که باید بهش رسیدگی کنم...»؛ «... وقتی یه اتفاقی یا مشکلی پیش میاد خودم رو یک قدم عقب می‌کشم تا اوضاع رو بهتر ارزیابی کنم، بعدش دست به عمل بزنم. میبینم که اوایل کار هیجان زده می‌شم و به خاطر همون، نیاز دارم که به یه تعادلی برسم و این موج هیجانی فروکش کنه...».

۳-۶. پیامدهای مرتبط با فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

پیامدها، نتایجی است که در اثر پدیده محوری و راهبردهای حاصل از آن پدیدار می‌شوند. شرایط علیّی به همراه شرایط زمینه‌ای و واسطه‌ای در پدیده‌های محوری و راهبردها مؤثر است که همه این موارد منجر به بروز یا شکل‌گیری پیامدهایی در پدیده یا فرآیند مورد مطالعه می‌شوند.

۳-۶-۱. خوداتکایی توأم با بیبود روابط

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که در راستا و نتیجه فرآیند تمایز یافتگی خود، توانسته‌اند در زندگی‌شان به خودبسندگی، اتکا به خود و احساس خودارزشمندی و بیشتر مستقل شدن نائل شوند، اما این خوداتکایی با انزوای فردمحوری در آنها معنا نشده است، بلکه با بهتر شدن روابط بین فردی، تعهد و وظیفه‌شناسی نیز همراه بوده است. آنها در عمل به خود متکی می‌باشند، به‌طور مستقل و با اعتماد به نفس بالا می‌توانند عملکرد خوبی داشته باشند، در عین حال در رابطه با دیگران، تفاوت‌ها را می‌پذیرند و احساسات دیگران را به خوبی درک کرده و به آنها توجه می‌کنند و از روابط مطلوبی برخوردارند. برای نمونه برخی شرکت‌کنندگان در این باره بیان کردند: «... برای همین، تصمیمات اساسی زندگی خودم گرفتم و مسئولیت نتایجش هرچی بوده خودم گردن گرفتم. وقتی مستقلانه تصمیم می‌گیری بیشتر احساس می‌کنی که تکیه‌گاه خودت هستی...»؛ «...نقش‌های مختلفی که توی زندگی بهم محول شده همشون باعث یه سری وظایف و مسئولیت‌هایی شدن، در قبال هر کسی که باهاش در ارتباطم به نوعی وظایفی دارم که نیاز به رسیدگی دارن، به عنوان یه مادر، پزشک و...».

۳-۶-۲. رضایت‌مندی از زندگی

تحلیل داده‌های حاصل از اجرای مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که افراد در فرآیند تمایز یافتگی خود به رضایت از زندگی دست یافته‌اند که این رضایت بیشتر به خانواده مربوط می‌شود. این رضایت شامل شادمانی، خرسندی، توافق در زندگی، هماهنگی و انسجام در خانواده، توجه به تفاوت‌ها در مواجهه با مشکلات و حل آنها و همچنین گفتگو و مشارکت در حل مشکلات است. روایت‌هایی از شرکت‌کنندگان مرتبط با این مقوله بدین شرح است: «...اگه من به اول زندگیم برگردم مجدداً همین انتخاب‌هایی رو می‌کنم که پیش از این انجام دادم و فکر کردن به این موضوع بیشتر باعث خوشحالی و رضایت خاطر من میشه...»؛ «...در این موقعیتی که هستم خودمو موفق می‌دونم و شکر خدا! احساس رضایت دارم؛ یعنی اون چیزایی که می‌خواستم رو بهشون رسیدم...».

۳-۶-۳. موفقیت و پیشرفت

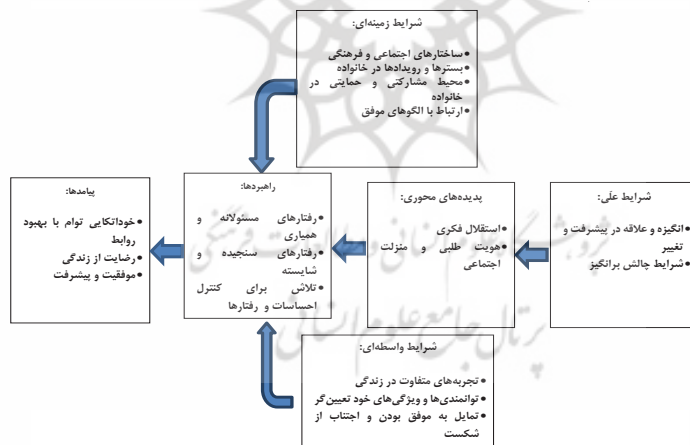
در تحلیل داده‌ها مشخص شد که یکی از پیامدهای مهم و مثبت تمایز یافتگی خود



موفقیت و پیشرفت در زندگی به‌ویژه موفقیت در حیطه شغلی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر است. آینده‌نگری و توجه به پیشرفت و ارتقا و حل خلاقانه مسائل با دستاوردهای شغلی و حرفه‌ای، انگیزه مضاعف در کار و ابتکار عمل همراه بوده است. برای نمونه برخی مصاحبه‌شوندگان دراین مورد بیان داشتند: «... بیشتر باعث شده به چیزهایی فکر کنم که به ذهن بقیه نمی‌رسد، خودمو جای مثلاً هم‌کلاس یا هم‌کارم می‌ذارم تا ببینم اگه اون بود چیکار می‌کرد یا چه ابتکاری انجام می‌داد و من در مقابل چکار می‌تونم بکنم که متمایز باشه...»؛ «...همیشه که نمی‌شه انتظار موفقیت داشت. اگه از طرف من کاری نامناسب انجام شده باشه اونقدری تلاش می‌کنم تا به بهترین شکل تصحیح بشه. بررسی می‌کنم ببینم خودم برای ارائه کردن چی دارم که تقلیدی نباشه...».

۳-۷. ترسیم الگوی پارادایمی و تکوین نظریه

باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، بازنمایی فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها به صورت شکل زیر تجسم می‌یابد.



شکل ۱: الگوی تجسمی از تکوین نظریه میانی برای بازنمایی فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود

باتوجه به الگوی تجسمی به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش حاضر و با دقت در رابطه میان مقوله‌های مشخص شده در الگوی فوق، گزاره‌هایی به شرح زیر تکوین یافته است:



تمایز یافتگی خود، به شکل افکار، عقاید، رفتارها و نگرش های مستقل و منحصر به فرد همراه با هویت طلبی و منزلت اجتماعی فرد پدیدار شده و نمود و ظهور پیدا می کند. با توجه به ادراک افراد مشخص شد که فرآیند تمایز یافتگی به صورت استقلال فکری تجربه می شود، اما هویت طلبی به ویژه با تأکید بر توانمندی های هر شخص و منزلت و رفتارهای اجتماعی و مقتضی، بخش دیگری از این فرآیند را به خود اختصاص داده اند. به عبارتی دیگر، می توان از این منظر به مباحث مذکور نگرست که افراد در میان استقلال در فکر و عمل و توجه به رفتارهای اجتماعی و مقتضی، سعی می کنند نوعی توازن و تعادل برقرار نمایند. بر این اساس می توان ادعا کرد که این موارد از ویژگی های فرهنگی افراد جامعه است که در یک طرف پیوستار استقلال فکری، قاطعیت و قدرت عمل قرار دارد و در طرف دیگر آن رفتارهای موقعیتی، روابط گسترده اجتماعی و پایبندی به تعهدات اجتماعی قرار گرفته است که برای افراد از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. افراد برای حصول چنین پدیده ها و تجاربی در مواجهه با شرایط و موقعیت های چالش زا به اثبات خود و چالش پذیری کشیده می شوند. بنابراین، شرایط چالش برانگیز در زندگی فرد منجر به پدیده هایی مانند مستقل بودن، داشتن افکار و عقاید منحصر به فرد، هدفمندی و هویت متفاوت شخصی می شود. به چالش کشیده شدن در شرایط مختلف و سخت زندگی و حضور و بهره گیری از چنین موقعیت هایی افراد را متمایز کرده است. به موازات این شرایط چالش برانگیز، خود افراد نیز از نظر درونی دارای اراده و انگیزه ای می باشند که در آنها چنین ویژگی هایی را ایجاد می کند. پافشاری بر خواسته ها و علایق، داشتن اراده ای محکم و راسخ در ادوار مختلف زندگی، داشتن انگیزه رشد و پیشرفت از جمله عللی است که منجر به شکل گیری استقلال فکری و تصمیم گیری، تحکیم جایگاه اجتماعی و شغلی و تفاوت های فردی می شود. این موقعیت ها و پدیده ها موجب راهبردهایی مانند رفتارهای سنجیده، مسئولانه، مشارکتی و همچنین کنترل رفتارها و هیجانات می شود. اقدامات و راهبردهایی که فرد در مواجهه با شرایط مختلف و پدیده های محوری اتخاذ می کند بدین صورت تجربه می شود که افراد به طور سنجیده و معقول رفتار کرده و تلاش می کنند تا کارهای خود را پایش و نتایج آنها را ارزیابی کنند. همچنین مسئولیت پذیری و رفتارهای مشارکتی، تعادل در رفتار با دیگران،



مشورت و همفکری، معاشرت و مراوده از تجاربی است که باتوجه به شرایط در افراد شکل گرفته است. در کنار این تجارب، تلاش برای کنترل احساسات، هیجانات و رفتارها نیز از جمله کنش و واکنش‌هایی است که در افراد شکل گرفته و تجربه می‌شود.

شرایطی وجود دارد که به‌طور مستقیم بر راهبردهایی که مطرح شد اثر می‌گذارد که ازجمله می‌توان به شرایط زمینه‌ای اشاره کرد که محیط و بستر خانواده ازجمله این شرایط است. کسب تجارب مختلف در بستر خانواده، نحوه رفتار هریک از اعضا با یکدیگر، ازدواج و تشکیل خانواده از عواملی است که مسئولیت‌پذیری، رفتارهای مشارکتی و سنجیده‌ای را در فرد شکل داده و تقویت می‌کند. همچنین جو حمایتی خانواده مبدأ، تشریک مساعی و احترام اعضای خانواده مبدأ به یکدیگر، نظم و امنیت در محیط خانواده مبدأ سبب شده است تا افراد در تنظیم رفتارها، سنجش نتایج اقدامات خود، صمیمیت با دیگران، داشتن صراحت و همدلی موفق‌تر باشند. ارتباط با الگوهای موفق در زندگی به‌ویژه در سنین نوجوانی و اوایل جوانی، حضور افراد مشوق و همسالان موفق و داشتن محیط سالم رقابتی نیز ازجمله شرایط تأثیرگذار زمینه‌ای است که در شکل‌گیری و ایجاد راهبردهایی مانند سخت‌کوشی، ثبات قدم، تلاش‌های سنجیده و رفتارهای شایسته مؤثر بوده است. علاوه بر شرایط مذکور، بستر فرهنگی و ساختارهای اجتماعی مانند نقش‌های اجتماعی، آداب و رسوم، توجه به تفاوت‌ها و تشابه‌ها در جامعه، قوانین و باورهای جمعی و فرهنگی نیز در ایجاد ویژگی‌هایی همچون داشتن استقلال رأی، داشتن عقاید متفاوت شخصی، داشتن سبک متفاوت زندگی، مواجهه تأثیرگذار با مسائل و موقعیت‌های اجتماعی، مؤثر بوده است. بررسی تجارب افراد شرکت‌کننده در پژوهش از تأثیرپذیری آنها از جامعه، فرهنگ و محیط پیرامون‌شان حکایت دارد.

شرایط واسطه‌ای یا مداخله‌گری نیز وجود دارد که این تجارب افراد را تقویت می‌کند. کسب تجربه‌های متفاوت در زندگی و یا تجربه‌های متنوع و مؤثر شغلی و حرفه‌ای در زمره شرایط واسطه‌ای است که در کسب و تحکیم پایگاه اجتماعی، جایگاه شغلی و هویت افراد اثرگذار بوده است. در کنار شرایط بیرونی، برخی شرایط درونی مانند توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گر که شامل انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری، خویشتن‌پذیری، روحیه

تسلیم‌ناپذیری و پشتکار داشتن است بر رفتارهای افراد اثرگذار بوده، فرایند تمایز یافتگی و تجربه آنها را تقویت کرده و به آن سرعت بخشیده است؛ تجربیاتی ممانند تلاش برای کنترل احساسات و رفتارها، شکل دادن عقاید و افکار شخصی، قدرت عمل و واقع بینی. همچنین موفقیت طلب بودن افراد، اجتناب از احساس شکست خوردگی و داشتن تاب آوری از عوامل واسطه‌ای است که بر رفتارهای مسئولانه، حساب شده، سنجیده، نقدپذیری و اصلاح خود مؤثر بوده و این‌گونه تجارب را تسهیل و تقویت کرده است.

در نهایت، این شرایط، پدیده‌ها و راهبردها، پیامدها و نتایج زمانی در افراد بازتاب پیدا می‌کند که آنها را به اشکال گوناگون تجربه کند. رضایت از زندگی، احساس شادمانی و خرسندی در زندگی، حل مشارکتی مسائل و اتخاذ تصمیم‌های مشترک و توافقی و همچنین هماهنگی و انسجام در خانواده از مواردی است که افراد آن را به مثابه بخشی از پیامدهای تمایز یافتگی خود و شرایط مؤثر بر آن تجربه می‌کنند. پیامدهای شخصی‌تر شامل پیشرفت و حصول موفقیت، نوآوری، استقلال بیشتر، انگیزه بیشتر، خلاقیت و ابتکار عمل قرار دارد که دستاورد نگرش‌های مستقل و رفتارهای سنجیده افراد است. از طرفی اتکا به خود در این افراد توأم با روابط مطلوب میان فردی است. بررسی ادراک و تجارب افراد نشان داد که اتکا به خود، خودبستگی و ارزش قائل شدن به خود در سویی و متعهد بودن، وظیفه‌شناسی، بهبود کیفیت روابط و درک بیشتر اطرافیان درسوی دیگر قرار دارد که یکی از دستاوردهای فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر ارائه نظریه‌ای میانی درباره فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود بود. براساس تحلیل داده‌ها، محور مرکزی این فرآیند را می‌توان در سه مقوله توضیح داد که یکی از آنها استقلال فکری است. استقلال فکری و تصمیم‌گیری برای مصاحبه‌شوندگان، خودپیروی و متفاوت بودن را به ارمغان آورده است (قادری، ودادهیر و چمنی، ۱۳۹۱). در حیطه نگرش‌ها و شناخت‌ها، تمایز یافتگی خود با میزان بیگانگی افکار و ارزش‌ها از والدین توصیف شده است (لایت و چابوت، ۲۰۰۶). در نظریه نظام‌های خانواده، حفظ موضع من به معنای داشتن

عقاید مشخص و توانایی پیگیری منطقی عقاید شخصی در شرایط مختلف است (لمپس و کاتاندولا،^۱ ۲۰۱۹). به عبارت دیگر، تمایز یافتگی خود به میزانی از استقلال و بلوغ هیجانی اشاره دارد که شخص بتواند در موقعیت های هیجانی، به طور عقلانی و مستقل تصمیم بگیرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۸).

یکی دیگر از پدیده های محوری در فرآیند شکل گیری تمایز یافتگی خود، هویت طلبی است که بر توانمندی ها، استعدادها و تفاوت های فردی تأکید می کند. آگاهی از تفاوت ها میان انسان ها به تاریخچه ای به اندازه آفرینش بشر برمی گردد، زیرا انسان های اولیه بر اساس توانایی های خاص خود تعریف می شدند. توجه به این تفاوت ها می تواند رفتارهای آتی فرد را پیش بینی پذیر کند (علیزاده اعتماد و پویاکیان، ۱۴۰۱). یافته های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش احمدی و پاک نژاد (۱۳۹۶) همسوست که نشان می دهد هویت، بالاترین رتبه را در شاخص های تمایز یافتگی خود دارد. همچنین، منزلت اجتماعی به مثابه مقوله ای اصلی، ارزیابی یا قضاوتی است که جامعه به یک موقعیت یا پایگاه اجتماعی اختصاص می دهد (حسینیان و فهیومی، ۱۳۸۸). یافته های این پژوهش با نتایج پژوهشی درباره تمایز یافتگی خود در جوانان چینی نیز هماهنگ است که شامل جهت گیری اجتماعی می شود (رووانگ،^۲ ۲۰۱۹).

یکی از مقوله های اصلی شناسایی شده در شرایط علی مرتبط با فرآیند شکل گیری تمایز یافتگی خود، انگیزه و علاقه به تغییر و پیشرفت است. در تجارب شرکت کنندگان، انگیزه و علاقه مندی به تغییر و ارتقا یکی از شروط اصلی تمایز یافتگی خود مطرح شده است. این پژوهش، جنبه های درون فردی و روان شناختی را بررسی نموده و شرایط جدیدی را در ارتباط با شکل گیری این سازه شناسایی کرده است. انگیزه یعنی، نیرویی که فرد را به سوی فعالیت و عمل هدایت می کند و شامل نیازها و خواسته های انسان است (خدیبوی و وکیلی مفاخری، ۱۳۹۰). افرادی که انگیزش بالایی دارند، خواهان پیشرفت و بهبودند (غفاری و ارفع بلوچی، ۱۳۹۰). همچنین، شرایط چالش برانگیز مقوله ای دیگر است که افراد در زندگی خود با آن مواجه می شوند (گائیر و چسنوتیت،^۳ ۲۰۲۳). مواجهه با چالش ها می تواند به رشد و تقویت

1. Lampis, J., & Cataudella, S.
2. Ru Wang, Q. A.
3. Gauthier, J. A., & Cesnuitte, V.

فرد یا آسیب‌پذیری بیشتر منجر شود (برناردی، هیانیک و ستترستن، ۲۰۱۹). افراد با چالش‌ها، به جای تسلیم، موقعیت را بررسی کرده و سعی می‌کنند بهترین عملکرد را از خود نشان دهند. شرایط زمینه‌ای مؤثر در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در چهار مقوله طبقه‌بندی شد که یکی از آنها ارتباط با الگوهای موفق است که در آن حضور و ارتباط با افراد موفق و همچنین بودن در محیطی ست که افراد با الگوها، رقبای موفق و شرایط رقابت جویانه و در عین حال تشویق‌کننده مواجه‌اند. یکی از آسان‌ترین و شاید مهم‌ترین روش‌ها برای رسیدن به موفقیت، الگوبرداری از افراد موفق است. ایده یا باور قدرتمند و مرکزی این الگوگیری این است که افراد معتقدند: «اگر او توانسته است به موفقیتی برسد، پس من هم می‌توانم موفق شوم». بررسی تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر این موضوع را روشن می‌کند که در اینجا منظور از الگوبرداری، تقلید صرف و یا کپی برداری از کارها و اعمال آنها نیست؛ زیرا چنین عملی با استقلال فکری و ماهیت تمایز یافتگی خود در تضاد است. بلکه وجود افراد موفق در اطراف شخص و حضور در محیط‌های رقابتی و همچنین تشویق اطرافیان، زمینه‌ای را برای آنها فراهم آورده است که اقدامات و پیامدهای مرتبط با آن، در ایجاد و بروز فرآیند تمایز یافتگی مؤثر بوده است.

یکی دیگر از مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ای، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. امروزه ثابت شده است که مطالعه روان‌شناختی انسان بدون در نظر گرفتن اجتماع و فرهنگ چندان امکان‌پذیر نیست (کمیل و روه‌راف، ۱۳۹۴). از طرفی، تأثیر اجتماع و ساختارهای فرهنگی بر انسان، خانواده و جمعیت نیز غیرقابل انکار است (شرف‌الدین و چراغی، ۱۳۹۳). سازه تمایز یافتگی خود نیز همانند بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی متأثر از بافت اجتماعی و فرهنگی است (نیلاب، قنبری هاشم‌آبادی و کیمیایی، ۱۳۹۷). همچنین تجربه سطح معینی از تمایز یافتگی خود علاوه بر روابط درون خانواده و شبکه ارتباطی شخص، از عناصر فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد (شهبازی، ۱۳۹۳). یافته‌های پژوهش حاضر درباره مؤثر بودن ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بر تمایز یافتگی خود با مطالعه پاک‌نژاد و احمدی (۱۳۹۶) همسوست که در آن شناسه‌های تمایز یافتگی خود از دیدگاه بوئن با شناسه‌های ادراک شده تمایز یافتگی

خود در جامعه والدین تهرانی مقایسه شده است. در پژوهش فوق برخی از شناسه‌های تمایزیافتگی خود متأثر از بافت فرهنگی و اجتماعی است.

از دیگر مقوله‌های اصلی در شرایط زمینه‌ای، جو مشارکتی و حمایتی خانواده است. درمورد شرایط شکل دهنده یا عوامل مؤثر در شکل‌گیری تمایزیافتگی خود هم در مبانی نظری و هم در پیشینه پژوهشی بر نقش خانواده تأکید شده است و به سایر شرایط یا عوامل چندان اشاره‌ای نشده است. این یافته پژوهش حاضر نیز در هماهنگی با موارد فوق است. تمایزیافتگی خود که در نظریه نظام‌های خانواده مفهوم‌پردازی شده است فرآیندی پویاست که از نظر بین فردی در بطن روابط اعضای خانواده قرار می‌گیرد (نارایانان و سریرام، ۲۰۲۳). خانواده، نظامی است که در فضای آن روابط و صمیمت ایجاد می‌شود و این کار را با تشویق برای بیان احساس‌ها، ایجاد یک فضای گرم و مشارکتی در خانه، حل تعارض‌ها بدون ایجاد استرس غیر ضروری، ایجاد حساسیت نسبت به همدلی و ایجاد اعتماد به انسان‌ها شکل می‌دهد (پنای، و همکاران، ۱۳۹۵). افرادی که ابتدا سطح بالاتری از تمایزیافتگی خود را در نظام خانواده تجربه می‌کنند، در آینده توانایی بیشتری نیز برای مقابله با موقعیت‌های تعارض‌زا در زندگی داشته و در رابطه با سایر افراد جامعه و محیط خود به‌گونه‌ای مثبت و سازگار عمل می‌کنند (سوانبرگ-هلم، ۲۰۲۰). همچنین در پژوهشی مشخص شد که مدل ارتباطی مبتنی بر گفت‌و شنود در خانواده می‌تواند به‌صورت مثبت و معنادار تمایزیافتگی خود را پیش‌بینی کند (شیدا، راضی‌رودی، فروغی و مسعودی، ۱۴۰۰).

آخرین مقوله اصلی شناسایی شده در بخش شرایط زمینه‌ای، بسترها و رویدادها در خانواده است. بستر خانواده و اتفاقات و رویدادها در محیط خانواده یکی از عوامل زمینه‌ساز برای تمایزیافتگی افراد در خانواده‌هاست؛ چنین مواردی در کنار سایر تجارب، شرایطی را برای افراد فراهم آورده است که در فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی آنها مؤثر بوده است. اولین و اصلی‌ترین پیش‌آیند برای تمایزیافتگی خود از دیدگاه بوئن این است که فرد بخشی از یک نظام رابطه‌ای مانند خانواده باشد؛ زیرا تجربه خود-دیگری پیش‌نیاز تمایزیافتگی خود است که در بستر روابط بین فردی جریان پیدا می‌کند (دیدریکسن، ادوارز و واکر، ۲۰۱۵). اعضای

1. Swanberg-Hjelm, J. CH.

2. Didericksen, K. W., Edwards, A. E., & Walker, J. A.

خانواده در فرآیند رشد به هویت اختصاصی و متمایز خود دست می‌یابند، اما باز هم به خانواده خود دلبسته‌اند و تصویر جمعی خاص خود را نیز حفظ خواهند کرد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۳). پژوهش‌های مختلفی نشان داده‌اند که ساختار و محیط خانواده در شکل‌گیری و رشد تمایز یافتگی خود در اعضای خانواده نقش بسیار مهمی دارد (هوپر و دیپوی، ۲۰۱۰). براساس یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها می‌توان شرایط واسطه‌ای در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود را در سه مقوله اصلی طبقه‌بندی نمود که یکی از آن مقوله‌ها داشتن تجربه‌های متفاوت در زندگی است. وجود تجارب مختلف در زندگی چه در حیطه خانوادگی و چه در حوزه شغلی و حرفه‌ای، شرایط متفاوتی را برای افراد فراهم کرده است که در کنار سایر عوامل و شرایط اثرگذار در شکل گرفتن تمایز یافتگی فرد مؤثر و تسهیل‌گر است. کسب تجارب مختلف و مثبت در زندگی به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی و قبل از ورود به دوره بزرگسالی یکی از عوامل یا شرایط اثرگذار است که می‌تواند در فرآیند هویت‌یابی و متمایز شدن افراد نقش مهمی ایفا کند. همچنین با توجه به روایت‌های مشارکت‌کنندگان مشخص می‌شود که تجربه‌مندی در دوران مختلف زندگی، در خانواده مبدأ، در ازدواج و تشکیل خانواده هسته‌ای و همچنین در تجارب شغلی و تحصیلی به همراه سایر عوامل برای آنها شرایطی را تأمین کرده است که فرآیند مذکور را سرعت بخشیده است.

دومین شرط واسطه‌ای در فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود تمایل به موفق بودن و اجتناب از شکست است؛ این ویژگی، انگیزه یا تمایل، در کنار سایر شرایط مانند مواجهه با موقعیت‌های چالش‌زا و تجربه رویدادهای مختلف، برای افراد در حکم عاملی درونی است که به صورت مثبت در تجارب و فرآیند مربوط به تمایز یافتگی آنها مداخله کرده است. باید متذکر شد که تمایل به موفقیت و اهتراز از شکست به معنای میل شدید به موفق بودن به همراه کمال‌گرایی منفی و تعیین استانداردهای سطح بالا نیست و این افراد از شکست منزجر یا متنفر نیستند، بلکه این افراد موفقیت طلب می‌باشند و به جای کمال‌خواهی و رقابت‌گری ناسالم‌گویی در حال مسابقه با خودشان می‌باشند و در موقعیت‌های مختلف و حتی دشوار می‌توانند خود را ترغیب کنند. همچنین اجتناب از شکست بدین معنی نیست

که افراد حاضر در پژوهش هیچ‌گاه شکست نخورده و دچار خطا و اشتباه نشده‌اند، بلکه آنها از تجارب شکست‌های خود درس گرفته‌اند و آن را به فرصتی دوباره تبدیل کرده‌اند و با تاب‌آوری و غلبه بر دشواری‌ها در پی جبران و موفقیت‌های بیشتر بوده‌اند. تمایل به موفق بودن و یا موفقیت‌طلبی نه فقط برای فرد پیامدهای مطلوبی دارد بلکه منجر به احساس خوب، رضایت‌مندی و لذت از دستاوردها می‌شود.

آخرین مقوله اصلی مورد بررسی در شرایط واسطه‌ای، توانمندی‌ها و ویژگی‌های خودتعیین‌گراست. برخی ویژگی‌های مثبت روان‌شناختی اگرچه به‌طور مستقیم در فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود مداخله نمی‌کند، افراد برخوردار از این توانمندی‌ها شرایطی را ایجاد می‌کنند که برای آنان تأثیرگذار و تسهیل‌گراست. در بررسی یافته‌های حاصل از تحلیل متون مصاحبه‌ها مشخص شد که برخی از ویژگی‌ها و انگیزه‌های درونی می‌تواند فرآیند تمایزیافتگی خود را تسریع کند؛ این ویژگی‌ها به علت توجه به بسندگی و شایستگی و همچنین استقلال و خودمختاری فرد ویژگی‌های خودتعیین‌گرانه نامگذاری شده‌اند (ون‌دن بروک، هوارد، وان‌ورنبرگ، وری و گاکن، ۲۰۲۱). خودتعیین‌گری می‌تواند به خودتنظیمی، تصمیم‌گیری، موقعیت‌شناسی، خودکارآمدی و اراده و پشتکار برای نیل به اهداف شخصی منجر شود (دهناد، ۱۴۰۰).

رفتارهای مسئولانه و همیاری اولین مقوله اصلی در راهبردهای مربوط به فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود است. با تعمق در یافته‌های مربوط به این بخش بیش‌ازپیش روشن می‌شود که مسئولیت‌پذیری، رفتارهای مشارکتی و همیارانه یکی از کنش-واکنش‌های اصلی مربوط به فرآیند تمایزیافتگی خود است که به‌صورت اقدامات مربوط به خود، دیگران، اعضای خانواده و اجتماع تجربه می‌شود. از دیدگاه بوئن، افرادی که مسئولیت افکار، اعمال و نظرات شخصی خود را بر عهده می‌گیرند و در عین حال ارتباط واقعی خود را با اعضای نظام خانواده حفظ می‌کنند، متمایز تلقی می‌شوند (بوئن، ۲۰۰۴). در موضع یا جایگاه من که هسته فرآیند تمایزیافتگی خود در نظریه نظام‌های خانواده به‌شمار می‌رود، فرد خودش را تجربه می‌کند و مسئولیت رفتارها و هیجاناتش را می‌پذیرد و ارتباط

نزدیک با دیگران بدون درگیر شدن در امتزاج، مثلث‌ها یا اعتلاف‌گری‌ها برقرار می‌کند (گوشوئه و کسناتین، ۲۰۰۳). همچنین از یافته‌های پژوهشی دیگر نیز مشخص شد که تمایز یافتگی خود به‌طور مثبت و معناداری می‌تواند مسئولیت‌پذیری را پیش‌بینی کند (همائی و دشت‌بزرگی، ۱۳۹۷). دومین راهبرد شناسایی شده در یافته‌ها، مقوله رفتارهای سنجیده و شایسته است. بررسی مقوله فوق نشان می‌دهد که افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر قبل از هر گونه اقدامی، امور را می‌سنجند و به اقتضای موقعیت رفتار می‌کنند و سعی بر آن دارند که رفتارها و اقدامات‌شان هدف‌مند و واقع‌بینانه باشد. رفتارهای سنجیده و شایستگی در این افراد به‌شکل واقع‌بینی، پایش رفتارها و اقدامات خود، تأمل در مواجهه با مسائل و رویدادها، آگاهی از وظایف و مسئولیت‌ها، هدف‌مندی و یا هدف‌گرایی تجربه می‌شود.

برای سنجیده رفتار کردن و یا شایستگی‌های رفتاری ویژگی‌هایی مانند برنامه‌ریزی برای امور، اثربخشی شخصی، نظارت بر رفتارها به‌ویژه خودکنترلی و حل مسئله نیز مطرح شده است (نخعی، و همکاران، ۱۳۹۷) که با یافته‌های پژوهش حاضر همسوست. مقوله‌هایی مانند پایش و نتیجه‌سنجی رفتارها، توجه و بازبینی رفتارها و تلاش و کوشش‌های حساب‌شده در فرهنگ ایرانی-اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در فرهنگ اسلامی-ایرانی بر تفکر و تعقل زیاد در امور تأکید شده است. از این‌رو، نباید بدون فکر و اندیشه عملی را انجام داد و بهتر است از قبل همه جوانب سنجیده شوند. حضرت علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «اگر پیش از همه کارهایت درباره آنها بیندیشی، سرانجام و عاقبت تو در هر امری نیکو خواهد بود» (ستوده‌نیا و رضایی، ۱۳۹۰). همچنین امام رضا علیه السلام درباره این مهم چنین فرموده است: «تدبیر، انسان را از پشیمانی‌های بی‌فایده پس از اقدام در امان می‌دارد» (نجفی، قربانی، نصرتی‌هشی و شاهی، ۱۳۹۳).

آخرین مقوله اصلی قرار گرفته در جایگاه راهبردهای مربوط به فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود، تلاش برای کنترل احساسات و رفتارهاست. با بررسی این مقوله آشکار می‌شود که افراد در فرآیند تمایز یافتگی خود می‌کوشند بر احساسات و رفتارهای‌شان مسلط باشند. این به معنای سرکوب هیجان‌ها و عدم بروز احساسات نیست، بلکه پیشگیری از برخورد هیجانی و عاطفی با امور و مسائل است. بنابراین، افراد سعی می‌کنند در حیطه



احساس‌ها و رفتارهای خود با مسائل منطقی و معقول برخورد کنند و از واکنش‌های هیجانی اجتناب ورزند. می‌توان گفت که در میان یافته‌های گسترده و نوآورانه پژوهش حاضر، مقوله کنترل احساسات و هیجان‌ها، هماهنگ‌ترین یافته با سازه تمایزیافتگی خود در نظریه نظام‌های خانواده است. تلاش برای کنترل احساسات و یا تنظیم هیجانات به راهبردهایی اطلاق می‌شود که برای کاهش یا افزایش دادن یا نگه‌داری تجارب هیجانی به کار می‌رود (گروس و بارت، ۲۰۱۱)^۱، از طرفی، باتوجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی ایران نیز روشن می‌شود که سفارش به ابراز مناسب احساسات، کنترل و تنظیم هیجانات و خویش‌نظمی از تاریخچه‌ای غنی برخوردار است (قربانی، خیری و چیره، ۱۴۰۱).

در نهایت پیامدهای مرتبط با فرآیند شکل‌گیری تمایزیافتگی خود مطرح است که یکی از سه مقوله اصلی آن رضایت‌مندی از زندگی است. رضایت از زندگی مفهومی ذهنی و منحصربه‌فرد است و جزء بی‌همتای بهزیستی روان‌شناختی را تشکیل می‌دهد و در برخی موارد به جای آن نیز به کار می‌رود (عقیلی، نانوا، بابایی و پورشفیعی، ۱۴۰۱). رضایت از زندگی احساس مثبت، کلی و بیشتر مربوط به گذشته است که از ارزیابی شناختی و قضاوت‌های فرد تأثیر می‌پذیرد (دلاهایج، کالارد و ون‌دام، ۲۰۱۰)^۲. بررسی روایت‌های شرکت‌کنندگان و یافته‌های پژوهش مشخص می‌سازد که رضایت‌مندی از زندگی در آنها نیز با احساسات مثبت، تثبیت جایگاه اجتماعی و انسجام و هماهنگی در خانواده تجربه می‌شود. در مطالعات قبلی، برخلاف روش و رویکرد کمی، ارتباط بین تمایزیافتگی خود و رضایت از زندگی مستند شده است به‌طوری‌که تمایزیافتگی خود پیش‌بینی‌کننده قدرتمند رضایت از زندگی به‌شمار می‌آید (ایسک، اوزبیلر، اسچور-کالینز و رودریگز-گانزلیز، ۲۰۲۰)^۳. در پژوهش‌های داخلی نیز یافته‌های مشابهی در این مورد وجود دارد. برای نمونه، در پژوهش نوروززاده و عبدالله‌پور (۱۳۹۶) مشخص شد که تمایزیافتگی خود با رضایت از زندگی ارتباط مثبت و معناداری دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی کند. از مقوله‌های اصلی تعیین‌شده در بخش پیامدها، موفقیت و پیشرفت است. موفقیت و پیشرفت از نظر افراد می‌تواند بسیار متفاوت باشد و هر فرد باتوجه به تجارب و ادراک

1. Gross, J. J., & Barrett, L. F.

2. Delahajj, A., Gaillard, C., & Van-Dam, P.

3. Iqik, E., Özbiler, Sh., Schweer-Collins, M. L., & Rodriguez-Gonzalez, M.

خود تعریف متفاوتی از آن داشته باشد. با بررسی تجارب و روایات مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر مشخص شد آنچه درباره موفقیت در زندگی بر آن تأکید شده است، پیشرفت و موفقیت شغلی، نوآوری و دستاوردهای شغلی است. موفقیت شغلی به معنی ادراک پیشرفت واقعی است و به نتایج تجربه حرفه‌ای فرد اطلاق می‌شود که هم به صورت عینی و قابل اندازه‌گیری تجربه می‌شود مانند افزایش درآمد و کسب جایگاه در اجتماع. و هم به صورت احساس موفقیت درونی، رضایت‌مندی و حرمت به خود تجربه می‌شود (حق شناس و ابوالمعالی، ۱۴۰۱). این یافته‌ها با نتایج پژوهش لویی^۱ و همکاران (۲۰۲۲) همسوست، آنها در مطالعه خود به این نتایج دست یافتند که تمایزیافتگی خود بر رفتار نوآورانه کارمندان تأثیر مثبت دارد. در حوزه زندگی زناشویی نیز نتایج پژوهشی که برای مدل‌یابی انجام شده است، نشان داد که تمایزیافتگی خود بر ازدواج موفق تأثیرگذار است و آن را پیش‌بینی می‌کند (حاجیلو، گودرزی و احمدیان، ۱۴۰۰).

آخرین مقوله اصلی شناسایی شده در جایگاه پیامدهای تمایزیافتگی خود، خوداتکایی توأم با بهبود روابط است که با تأمل در یافته‌های مربوطه می‌توان دریافت که شرکت‌کنندگان در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود با دیگران ارتباط خوبی دارند، از روی اعتماد و همدلی با اطرافیان‌شان ارتباط برقرار می‌کنند و همچنین در قبال خود، خانواده و دیگران وظیفه‌شناس می‌باشند، ولی در تصمیم‌گیری برای امور مهم زندگی، برخلاف مشورت و همفکری، به دیگران وابسته نیستند و صلاح زندگی خود را می‌دانند و در چنین اموری متکی به خود می‌باشند. در حیطه روابط افراد، اغلب مطالعات از تأثیر تمایزیافتگی خود بر تعاملات بین فردی مطلوب پشتیبانی می‌کنند (نورونا و ولش، ۲۰۱۶^۲). تمایزیافتگی خود به طور مثبت و معناداری می‌تواند ثبات و کیفیت روابط میان فردی را پیش‌بینی کند (رودریگز-گونزالز، بل، پریرا، مارتینز، اسچور کالینز، و یین، ۲۰۲۳^۳). همچنین در یک پژوهش داخلی، یکی از مقوله‌های اصلی تمایزیافتگی خود را وجود روابط صمیمانه شناسایی کرد (احمدی و پاک‌نژاد، ۱۳۹۶). تمامی موارد مذکور همسویی نتایج مطالعات داخلی و خارجی با یافته‌های پژوهش حاضر را نشان می‌دهند.

1. Luyi, Q.

2. Norona, J. C., & Welsh, D. P.

3. Rodríguez- González, M., Bell, C. A., Pereyra, S. B., Martínez-Díaz, M. P., Schweer- Collins, M., & Bean R. A.



در مقایسه یافته‌ها و نتایج حاصل شده با چارچوب نظری و پیشینه پژوهشی می‌توان بیان کرد که نظریه به دست آمده در این مطالعه که بازنمایی فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در خانواده‌ها بود، فراتر از الگوهای تدوین شده در این حیطه بوده و جنبه نوآورانه داشته است؛ چراکه هم به شناسایی مقوله‌های بیشتری در رابطه با ادراک و تجربه تمایز یافتگی خود، راهبردها و پیامدهای آن منجر شد و هم نشان داد که عوامل محیطی و ویژگی‌های درون فردی از پیشایندهای اصلی تمایز یافتگی خود است و می‌توانند به مثابه عوامل یا شرایط مستقیم و غیرمستقیم در شکل گرفتن آن مؤثر باشد که این نیز از جوانب بدیع پژوهش حاضر است. همچنین در مطالب پیش گفته، جایگاه مهم تمایز یافتگی خود بیش از پیش روشن شد که یکی از شناخته شده‌ترین سازه‌ها برای پژوهشگران و متخصصان حیطه مشاوره و خانواده درمانی است. در پژوهش حاضر، نظریه‌ای میانی و بومی تکوین یافت؛ زیرا با پیشرفت علم روان‌شناسی و شاخه‌های مختلف آن و با توجه به مبحث نوین چند فرهنگ‌گرایی در مشاوره و روان‌درمانی، روشن می‌شود که مطالعه و کاوش ویژگی‌های روان‌شناختی جدا از بافت فرهنگی آنها چندان میسر نیست.

توجه به تفاوت‌های فردی در زمینه‌های مختلف می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر روی سلامت روان و فرآیند تمایز یافتگی داشته باشد. این تفاوت‌ها شامل ویژگی‌های شخصیتی، تجربیات زندگی، سبک‌های یادگیری، نیازهای عاطفی و فرهنگ و ارزش‌هاست. هر فرد ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که بر نحوه واکنش او به چالش‌ها و شرایط مختلف تأثیر می‌گذارد. شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند به طراحی برنامه‌های مناسب کمک کند. همچنین، تجربیات گذشته افراد از جمله تجارب مثبت و منفی، می‌تواند بر سلامت روان و تمایز یافتگی آنها تأثیر بگذارد. این تجربیات باید در برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود. در نهایت، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، احترام به تفاوت‌های فرهنگی و عاطفی افراد به دلیل اثرات مهمی که در برنامه‌های مرتبط با نهادهای فعال در حوزه سلامت روان بر جای می‌گذارد، از اهمیت دوچندانی برخوردار است.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به مشاوران کمک کند تا فرآیند مشاوره را غنا بخشیده و در اجرای مشاوره اعم از انفرادی، زوجی یا خانواده درمانی به این مقوله‌ها و

ارتباط میان آنها توجه نمایند و دوره‌ها یا کارگاه‌های آموزشی، سمینارها، وبینارها، تشکیل گروه‌های آموزشی یا درمانی و جلسات مختلفی با اهداف خاص برای مخاطبان برگزار شود. پیشنهاد می‌شود مشاوران و روان‌شناسان یافته‌های پژوهش حاضر را در برنامه‌ها و طرح‌های خود ادغام کنند و متناسب با هر گروه سنی مانند دانش‌آموزان، دانشجویان و جوانان، زوجین، والدین و خانواده‌ها دوره‌هایی را تدارک دهند یا طرح‌های خود را گسترش داده و پژوهش‌های این حوزه را غنی‌تر کنند.

پیشنهاد می‌شود هر یک از مقوله‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر و روابط میان آنها به صورت مطالعات کمی، کیفی و آمیخته بررسی شوند تا امکان بسط و گسترش بیشتر این یافته‌ها حاصل شود. همچنین شایان ذکر است که در پژوهش حاضر یک سری شرایط مؤثر بر تمایز یافتگی کشف و شناسایی شد که در سه بخش شرایط علی، واسطه‌ای و زمینه‌ای جای گرفت و به تفصیل بحث و بررسی شد، اما با توجه به محدودیت‌هایی مانند کوچک بودن نمونه، ممکن است شرایط دیگری نیز وجود دارد که در پژوهش حاضر شناسایی نشد و این مسئله می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی مطالعه‌ای مبتنی بر مدل معادلات ساختاری انجام شود و ارتباط میان مقوله‌های شناسایی شده در این پژوهش بررسی گردد. وجود تفاوت‌های فرهنگی در تمایز یافتگی خود در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی به کرات مطرح و اثبات شده است، اما این تفاوت‌ها نه فقط در میان کشورها و فرهنگ‌های مختلف بلکه در درون کشورها و فرهنگ‌ها نیز می‌تواند مشاهده شود. از این رو، با توجه به پهنه گسترده ایران و وجود گوناگونی فرهنگی، قومی و مذهبی پیشنهاد می‌شود فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود موضوع پژوهش‌های آتی در سایر مناطق کشور باشد و نتایج آنها با یکدیگر مقایسه شود. در نهایت، با توجه حضور رده‌های مختلف سنی در خانواده و پیرو آن ویژگی‌های خاص هر دوره رشد و با توجه به اینکه شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر افراد جوان یا متأهل با میانگین سنی ۳۵ سال بود، فرآیند شکل‌گیری تمایز یافتگی خود در رده‌های مختلف سنی مورد مطالعه و آزمون قرار گیرد و نتایج آنها با یکدیگر مقایسه شود تا دیدگاهی جامع‌تر و گسترده‌تر در این مسئله حاصل شود.

مقاله حاضر، مستخرج از رساله دکتری تخصصی است که با حمایت علمی و معنوی پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران انجام شد. همچنین از تمامی شرکت‌کنندگان و افرادی که در اجرای پژوهش حاضر همکاری داشتند، سپاس‌گزاری می‌شود.

فهرست منابع

۱. افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). *روان‌شناسی خانواده: همسران برتر*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۲. احمدی، خدابخش. و پاک‌نژاد، فرشته (۱۳۹۶). وضعیت شاخص‌های تمایزیافتگی در خانواده‌های تهرانی. *فصل‌نامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۸(۳۰)، ۲۱۹-۲۳۹.
۳. استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۴۰۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. مترجم: افشار، ابراهیم. تهران: نشر نی.
۴. اسماعیلی، مریم. صصالی، مهوش. و چراغی، محمدعلی (۱۳۹۲). کیفیت در مطالعات گراند تئوری. *نشریه تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۲(۳)، ۲۸۷-۲۹۶.
۵. آغاسی‌نژاد، سحر. خدابخشی‌کولایی، آناهیتا. فلسفی‌نژاد، محمدرضا. و ثناگو، اکرم (۱۳۹۸). رابطه عملکرد خانواده و تمایزیافتگی خود با احساس غربت در دانشجویان دختر خوابگاهی. *نشریه روان‌پرستاری*، ۷(۶)، ۴۶-۵۲.
۶. بازگان، عباس (۱۳۹۷). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*. تهران: نشر دیدار.
۷. پاشاشریفی، حسن. معنوی‌پور، داود. و عسگری، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه تمایزیافتگی خود. *نشریه روان‌شناسی تحلیلی شناختی*، ۵(۱۸)، ۹-۲۲.
۸. پاک‌نژاد، فرشته. و احمدی، خدابخش (۱۳۹۶). همسنجی شناسه‌های تمایزیافتگی خود از دیدگاه میان‌نسلی بوئن با شناسه‌های تمایزیافتگی ادراک‌شده در جامعه پدر و مادرهای ایرانی شهر تهران. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۱(۲۳)، ۶۵-۸۴.
۹. بناغی، لیلی. زاده‌محمدی، علی. باقریان، فاطمه. پاکدامن، شهلا. احمدآبادی، زهره. و محمدی، سمیه (۱۳۹۵). جستجوی الگوی سلامت خانواده ایرانی: یک مطالعه کیفی. *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، ۱۲(۴۶)، ۱۷۹-۱۹۶.
۱۰. تامسون، رزماری (۱۳۸۸). *نظریه‌ها و فنون مشاوره*. مترجم: اسمعیلی، معصومه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۱. حاجیلو، مریم. گودرزی، محمود. و احمدیان، حمزه (۱۴۰۰). تدوین مدل علی ازدواج موفق بر اساس سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی با نقش واسطه‌ای تمایزیافتگی. *نشریه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۲(۴۳)، ۴۲-۵۴.
۱۲. حسینقلی‌پور، اصغر. پورشالچی، حسام. بیگ‌زاده، بهداد. و محبوب‌کلیر، امین (۱۳۹۵). خانواده و اهمیت آن در اسلام. *کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی*. ترکیه، استانبول.
۱۳. حسینیان، شهاخت. و فهیمی، علی (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی پلیس راهنمایی و رانندگی. *نشریه مطالعات مدیریت ترافیک*، ۴(۱۳)، ۱۱-۳۴.
۱۴. حق‌شناس، سارا. و ابوالمعالی، خدیجه (۱۴۰۱). طراحی الگوی مفهومی تبیین موفقیت شغلی مشاوران مدارس. *فصل‌نامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۳(۴۹)، ۷۷-۹۴.
۱۵. خدیوی، اسداله. و وکیلی‌مفاخری، افسانه (۱۳۹۰). رابطه بین انگیزه پیشرفت، منبع کنترل، خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال اول متوسطه نواحی پنجگانه تبریز. *نشریه علوم تربیتی*، ۴(۱۳)، ۴۵-۶۶.
۱۶. دانایی‌فرد، حسن. و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. *نشریه اندیشه مدیریت*، ۱(۲)، ۶۹-۹۷.
۱۷. دهناد، ویدا (۱۴۰۰). نظریه خود-تعیین‌گری و ارتباط آن با نظریه هدف‌گذاری. *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۳)، ۱۷۱-۱۸۲.
۱۸. ستوده‌نیا، محمدرضا. و رضایی، اسماعیل (۱۳۹۰). خانواده، نهاد بهینه‌ساز فرصت جوانی از منظر قرآن و روایات. *نشریه قرآنی کوثر*، ۱(۴۰)، ۳۹-۴۹.
۱۹. سیدمجیدی، سالار. صالحی، کیوان. مدنی، یاسر. و شاهمرادی، سمیه (۱۴۰۲). فراتحلیل مطالعات خودتمایزیافتگی در خانواده‌های ایرانی. *نشریه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز*، ۴۵(۲)، ۱۰۱-۱۱۶.
۲۰. شرف‌الدین، سیدحسین. و چراغی‌کوتبانی، اسماعیل (۱۳۹۳). نقش فرهنگ و ساختارهای فرهنگی در تحولات جمعیتی. *نشریه معرفت فرهنگی و اجتماعی*، ۱۶(۱)، ۵۱-۷۸.

۲۱. شهپازی، مسعود (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش راهبردهای مسئله‌گشایی و مهارت‌های ارتباطی بر تمایز یافتگی خود، ابراز وجود، راهبردهای مسئله‌گشایی و مهارت‌های ارتباطی در زوج‌ها. رساله دکتری مشاوره. دانشگاه شهید چمران. اهواز. (نسخه الکترونیکی)
۲۲. شهیدی، شهریار، نجاتی، وحید، و کمری، سامان (۱۳۹۴). شخصیت ایرانی: شواهدی از تفاوت‌های فرهنگی و ویژگی‌های شخصیتی. نشریه تحقیقات علوم رفتاری، ۱۱۳(۴)، ۵۲۵-۵۳۱.
۲۳. شید، سمیرا، راضی رودی، داود، فروغی، الناز، و مسعودی، شاهد (۱۴۰۰). پیش‌بینی خودمتمایزسازی براساس مدل‌های ارتباطی خانواده و تیپ‌های شخصیتی زنان متأهل. فصلنامه خانواده و بهداشت، ۲۷(۲۷)، ۷۹-۹۸.
۲۴. صالحی سرنسری، علیرضا (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تأثیر آن بر اختلافات خانوادگی در شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکز. (نسخه الکترونیکی)
۲۵. صالحی، کیوان، بازگان، عباس، صادقی، ناهید، و شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵۹(۹)، ۵۹-۹۹.
۲۶. عقلی، مجتبی، نانا، طیبه، بابایی، انسیه، و پورشفیغ، مرگان (۱۴۰۱). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس سبک زندگی اسلامی، شبکیایی و تحمل ناکامی در بین زنان. دین و سلامت، ۱۰(۲)، ۱-۱۰.
۲۷. علیزاده، زهرا، پویاکیان، مجتبی، و اعتماد، کورش (۱۴۰۱). نقش تفاوت‌های فردی و روان‌شناختی در بروز رفتارهای نالایمن: یک مطالعه مقطعی بین کارکنان یک شرکت توربین‌سازی. فصلنامه بهداشت و ایمنی کار، ۱۲(۲)، ۳۸۴-۴۰۲.
۲۸. غفاری، ابوالفضل، و ارفع بلوچی، فاطمه (۱۳۹۰). رابطه انگیزش پیشرفت و خودپنداره تحصیلی با اضطراب امتحان در دانشجویان تحصیلات تکمیلی. نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۱(۲)، ۱۲۱-۱۳۶.
۲۹. فایرستون، رابرت، دبلیو، فایرستون، لیزا، و جویس، کنتل (۱۴۰۲). تمایز یافتگی خود و یک مدل درمانی برای ارتقای آن. مترجم: سیدمجیدی، سالار. تهران: انتشارات علم و دانش.
۳۰. قادری، طاهره، و داداهیر، ابوعلی، و چمنی، سولماز (۱۳۹۱). سطح توانمندی زنان متأهل و عوامل مرتبط با آن. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۲۲(۴)، ۴۵-۶۵.
۳۱. قربانی، خاور، خیری، سیمین، و جیره، نسرين (۱۴۰۱). مطالعه فرهنگی بروز و کنترل هیجان در فرهنگ عامه ایران (نمونه موردی: امثال و حکم دهخدا). نشریه فرهنگ و ادبیات عامه، ۱۰(۴۶)، ۱۲۷-۱۶۴.
۳۲. کریمیان، زهرا، صالحی، کیوان، و خدایی، ابراهیم (۱۳۹۹). ارائه نظریه داده‌بنیاد برای تبیین فرایند شکل‌گیری روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان مدارس فنی و حرفه‌ای. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۶(۱۱)، ۷-۴۴.
۳۳. کمیل، ویلیام. ا.ج.، و روهرباف، رابرت. ام (۱۳۹۴). دستنامه فرمول‌بندی زیستی-روانی-اجتماعی. مترجم: شایگان فرد. تهران: انتشارات ارجمند.
۳۴. گلدنبرگ، ایرنه، و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۹۳). خانواده درمانی. مترجمان: حسین‌شاهی‌برواتی، حمیدرضا، نقش‌بندی، سیامک، و ارجمند، الهام. تهران: نشر روان.
۳۵. گلدنبرگ، هربرت، و گلدنبرگ، ایرنه (۱۳۹۸). مروری بر خانواده درمانی. مترجم: فیروزبخت، مهرداد. تهران: نشر رسا.
۳۶. نجفی، محمد، قربانی، منصوره، نصرتی‌هشی، کمال، و شاهی، محمد (۱۳۹۳). روش‌های تربیت اخلاقی در سیره رضوی (ع). نشریه پژوهش‌های اخلاقی، ۱۵(۱۱)، ۱۱۳-۱۲۷.
۳۷. نخعی، سارا، آهنگیان، محمد رضا، و کرمی، مرتضی (۱۳۹۷). ابعاد مدل شایستگی مدیران آموزشگاهی. کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران: ایران.
۳۸. نوروززاده، سکینه، و عبدالله‌پور، محمدآزاد (۱۳۹۶). بررسی رابطه صفات شخصیت و تمایز یافتگی خود با رضایت از زندگی در زوجین متقاضی طلاق. فصلنامه تعالی مشاوره و روان‌درمانی، ۲۳(۶)، ۱-۱۴.
۳۹. نیلاب، ریحانه، قبری‌هاشم‌آبادی، بهرام‌علی، و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۷). اثربخشی رویکرد بوئن بر ارتقاء تمایز یافتگی خود و رضایت زناشویی در زنان ترک و ترکمن. نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱۱(۱)، ۴۱-۵۷.
۴۰. همائی، رضوان، و دشت‌بزرگی، زهرا (۱۳۹۷). همبستگی تمایز یافتگی خود و خوش‌بینی با مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی در دانشجویان پرستاری. نشریه مدیریت ارتقای سلامت، ۷(۲)، ۵۷-۶۴.

41. Aldiabat, K. M., & Navenec, C. L. (2018). Data Saturation: The Mysterious Step In Grounded Theory Method. *The Qualitative Report*, 23(1), 245–261. doi: 10.46743/2160-3715/2018.2994

42. Bernardi, L., Huinink, J., & Settersten, R. A. Jr. (2019). The life course cube: A tool for studying lives. *Advances in Life Course Research*, (41), 1- 56. doi: 10.1016/j.alcr.2018.11.004
43. Bohlander, J. R. (1995). Differentiation of Self: An Examination of the Concept. *Issues in Mental Health Nursing*, 16(2), 165– 184. doi: 10.3109/01612849509006932
44. Bowen, M. (2004). *Family therapy in clinical practice*. Northvale, NJ: Jason Aronson.
45. Calatrava, M., Mariana, V., Martins, M., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C., & Rodríguez-Gonzalez, M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct. *Clinical Psychology Review*, (91). doi: 10.1016/j.cpr.2021.102101
46. Castellar, B., & Oliver, J. (2021). Relationship between family functioning, differentiation of self and anxiety in Spanish young adults. *PLoS ONE*, 16 (3), e0246875. doi: 10.1371/journal.pone.0246875
47. Chung, H., & Gale, J. (2009). Family Functioning and Self-Differentiation: A Cross-Cultural Examination. *Contemporary Family Therapy*, (31), 19– 33. doi: 10.1007/s10591-008-9080-4
48. Delahaij, A., Gaillard, C., & Van-Dam, P. (2010). Hope and Hardiness as related to life satisfaction. *The Journal of Positive Psychology*, 3(8), 171- 179.
49. Didericksen, K.W., Edwards, A.E., & Walker, J.A. (2015). Maternal well-being: Health, differentiation, and relationship satisfaction. *The Family Journal*, 23 (1), 56– 64. doi: 10.1177/1066480714547186
50. Gardner, W.L., & Garr-Schultz, A. (2017). *Understanding Our Groups, Understanding Ourselves: The Importance of Collective Identity Clarity and Collective Coherence to the Self*. Springer International Publishing. doi: 10.1007/978-3-319-71547-6_7
51. Gauthier, J. A., & Česnuitytė, V. (2023). Family in Challenging Circumstances: Ways of Coping. *Social Inclusion*, 11(1), 210– 213. doi: 10.17645/si.v11i1.6804
52. Gross, J. J., & Barrett, L. F. (2011). Emotion Generation and Emotion Regulation: One or Two Depends on Your Point of View. *Emotion Review*, 3(1), 8– 16.
53. Gushue, G. V., & Constantine, M. G. (2003). Examining individualism, collectivism, and self differentiation in african american college women. *Journal of Mental Health Counseling*, 25(1), 1- 15.
54. Hofstede, G., Hofstede, GJ., & Minkov, M. (2010). *Cultures and organizations: software of the mind*. New York: McGraw-Hill.
55. Hooper, L. M., & DePuy, V. (2010). Mediating and moderating effects of differentiation of self on depression symptomatology in a rural community sample. *The Family Journal*, (18), 358– 368. doi: 10.1177/1066480710374952
56. Işık, E., Özbiler, Sh., Schweer-Collins, M. L., & Rodriguez-Gonzalez, M. (2020). Differentiation of Self Predicts Life Satisfaction through Marital Adjustment . *The American Journal of Family Therapy*, 48(3), 1– 14. doi: 10.1080/01926187.2020.1732248
57. Lampis, J., & Cataudella, S. (2019). Adult attachment and differentiation of self-constructs: A possible dialogue? *Contemporary Family Therapy, Online*, 1– 9. doi: 10.1007/s10591-019-09489-7
58. Licht, C., & Chabot, D. (2006). The chabot emotional differentiation scale: a theoretically and psychometrically sound instrument for measuring Bowen's

- intrapsychic aspect of differentiation. *Journal of Marital and Family Therapy*, 32(2), 167– 180.
59. Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Newbury Park, C A: Sage.
 60. Luyi, Q., Mengtao, Zh., Mianzhai, W., & Shengtai, Zh. (2022). Traits of personality that can be intervened: Impact of self-differentiation on employee innovation. *Science Research Management*, 43(2), 202– 208.
 61. Narayanan, M., & Sriram, S. (2023). An Exploration of Differentiation of Self in Indian Youth. *Human Arenas*. doi: 10.1007/s42087-023-00335-9
 62. Norona, J. C., & Welsh, D. P. (2016). Rejection sensitivity and relationship satisfaction in dating relationships: The mediating role of differentiation of self. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 5(2), 124– 135. doi: 10.1037/cfp0000056
 63. Olson, D. H. (2011). Faces IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of Marital and Family Therap*, 37(1), 64– 80. doi: 10.1111/j.1752-0606.2009.00175.x
 64. Peixoto-Freitas, J., Rodriguez-Gonzalez, M. N., Crabtree, S. A., & Martins, M. V. (2020). Differentiation of Self, Couple Adjustment and Family Life Cycle: A Cross-Sectional Study. *The American Journal of Family Therapy*, (4), E-Pub. doi: 10.1080/01926187.2020.1736689
 65. Rodríguez- González, M., Bell, C. A., Pereyra, S. B., Martínez-Díaz, M. P., Schweer- Collins, M., & Bean, R. A. (2023). Differentiation of self and relationship attachment, quality, and stability: A path analysis of dyadic and longitudinal data from Spanish and U.S. couples. *PLoS ONE*, 18(3), e0282482. doi: 10.1371/journal.pone.0282482
 66. Ru Wang, Q. A. (2019). The Connotation and the Development Process of Youth Self-Differentiation. *Journal of Advances in Psychology*, 9(4), 664- 670. doi: 10.12677/ap.2019.94082
 67. Sauerheber, J. D., Nims, D., & Carter, D. J. (2013). Counseling Muslim Couples From a Bowen Family Systems Perspective. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 201(5), 1- 9. doi: 10.1177/1066480713514937
 68. Swanberg-Hjelm, J. CH. (2020). *The Moderating Effect of Negative Childhood Experiences on the Development of Differentiation of Self*. PhD thesis (PDF Version). Northcentral University. California.
 69. Tabak, I., & Zawadzka, D. (2016). The importance of positive parenting in predicting adolescent mental health. *Journal of Family Studies*, 1(23), 1839– 3543. doi: 10.1080/13229400.2016.1240098
 70. Torres, C., Vallejo-Huangab, D., & Ocanae, X. R. (2021). Quantitative evaluation of family functions and changes in a postmodern context. *Journal of Heliyon*, 7(6), e07435. doi: 10.7910/DVN/SW7Q6V
 71. Van den Broeck, A., Howard, J. L., Van Vaerenbergh, Y., Leroy, H., & Gagne, M. (2021). “Beyond intrinsic and extrinsic motivation: a meta-analysis on self-determination theory’s multidimensional conceptualization of work motivation”. *Organizational Psychology Review*, 11(3), 240- 273.
 72. Zaki Ali, H. M. (2021). Self-differentiation as an intermediate variable between anger management and neurotic perfectionism among high achievers: a psychological study of the rights of special education. *International Journal of Human Rights in*

Healthcare, E-Pub: 353899019. doi: 10.1108/IJHRH-04-2021-0096

73. Zeegers, MAJ., Colonnese, C., Stams, G-JJM., & Meins, E. (2017). Mind matters: A meta-analysis on parental metallization and sensitivity as predictors of infant-parent attachment. *Psycholog Bull*, 143(12), 1245– 1272. doi: 10.1037/bul0000114

